

## نیروهای نظامی رژیم به کارگران نساجی کردستان حمله کردند

امروز شنبه ۲۸ آبان کارگران اعتصابی نساجی کردستان، به قصد حرکت به طرف استانداری در شهر سنندج، با حمله نیروهای نظامی و امنیتی روبرو شدند. نیروهای گارد ویژه، لباس شخصیها، اطلاعات و نیروهای انتظامی مانع حرکت کارگران شدند. کارگران که قصد داشتند سد نیروهای سرکوبگر را بشکنند با حمله وحشیانه نیروهای رژیم اسلامی روبرو شدند. کارگران ناچار به داخل کارخانه برگشتند. نیروهای انتظامی که قبلاً از این حرکت کارگران مطلع بودند از روز جمعه ۲۷ آبان کارخانه را به محاصره خود در آورده اند. اکنون درب کارخانه بسته و کارگران در کارخانه در محاصره هستند. جاده ای که این کارخانه را به شهر وصل میکند بوسیله نیروهای انتظامی مسدود شده است. به دنبال این اتفاقات نگرانی خانواده های کارگران را فرا گرفته است. هم اکنون جنب و جوشی در میان خانواده کارگران شروع شده است که در حمایت از کارگران اعتصابی خود راساً به جلو استانداری بروند.

بر از حزب کمونیست کارگری

### فهرست مطالب این شماره

اخبار مبارزات و اعتصابات کارگری  
صفحه ۲

ویژه احکام بیدادگاه های جمهوری اسلامی  
صفحه ۳

گزارش : پروژۀ ناامن  
صفحه ۱۳

دیدگاه : پاسخ طبقه کارگر به این توحش و بردگی محض چیست  
صفحه ۱۵

دیدگاه : نگاهی به مسائل جنبش کارگری ایران و ضرورت جبهه واحد کارگری بهروز فراهانی  
صفحه ۱۷



## احکام بیدادگاه های جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کنیم

۳- محسن حکیمی ۲ سال زندان  
۴- محمد عبدی پور ۲ سال زندان  
۵- برهان دیوارگر ۲ سال زندان  
این احکام تجسم واقعی آن " عدالت و معنویت اسلامی" است که احمدی نژاد در رأس باند امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان ملل با آب و تاب از آن سخن راند.

تهاجم رژیم به فعالین کارگری نه از موضع قدرت، بلکه از موضع ضعف است. آنان

بقیه در ص ۶

رژیم جمهوری اسلامی در پس - کشمکش های اتمی و سخن رانی احمدی نژاد در ارتباط با دولت اشغالگر اسرائیل و در حالی که افکار عمومی جهان اساساً متوجه دو جریان فوق بوده، محکومیت پنج تن از فعالین جنبش کارگری ایران را پس از حدود یک سال و نیم و در پی احضارهای متعدد صادر نمود:

۱- محمود صالحی ۵ سال زندان و سه سال تبعید به شهرستان قروه

۲- جلال حسینی ۳ سال زندان

## گزارشی از پایان پیروزمندانه اعتصاب ۵۷ روزه کارگران کارخانه نساجی کردستان

داشتند، تمامی راههای منتهی به کارخانه نساجی از جمله جاده سنندج- کرمانشاه مسدود شده و نیروهای رژیم در مکانهای مختلف مستقر شدند.

اعتصاب وارد ۵۷ مین روز خود شد، کارگران همانطور که در مجمع عمومی پنجم خود تصمیم گرفته و اعلام کرده بودند که اگر به خواستههای آنان رسیدگی نشود در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد، در کارخانه حاضر شدند.

در ساعت ۸/۳۰ شورای تامین استان در کارخانه حضور یافت و تمامی کارگران

بقیه در ص ۶

اعتصاب کارگران کارخانه نساجی کردستان که از روز شنبه ۲ مهر ماه آغاز شده بود پس از ۵۷ روز با پیروزی کارگران به پایان رسیده.

ساعت ۷/۳۰ صبح روز شنبه ۲۸ آبان ماه کارخانه نساجی کردستان در محاصره نیروهای اطلاعات و ضد شورش رژیم قرار گرفت و چندین دستگاه اتوبوس و مینی بوس مملو از نیروهای سرکوبگر در مقابل کارخانه مسقر شدند.

در مقابل سازمان فنی و حرفه ای و استانداری کردستان نیز صدها نفر از نیروهای اطلاعات و انتظامی مسلح حضور

## اخبار مبارزات و اعتصابات کارگری

### کارگران شاهو به دفاع از کارگران نساجی جاده شهر به کارخانه نساجی را مسدود کردند

هنگامی که خبر حمله نیروهای انتظامی به صف کارگران نساجی رسید، کارگران شاهو جاده مابین کارخانه و شهر را مسدود کردند که نیروهای کمکی انتظامی نتوانند به کارخانه بروند. اقدام کارگران شاهو بسیار سنجیده و جسورانه بود. این اقدام مورد ستایش کارگران نساجی قرار گرفت.

قرار بود امروز کارگران نساجی و شاهو هماهنگ در یک صف واحد در مقابل استانداری تجمع کنند. اما حرکت کارگران نساجی با سد و حمله نیروهای انتظامی مواجه شد. که به دنبال آن ما حرکت کارگران شاهو را شاهد بودیم.

کمیته کردستان این اتحاد و همبستگی را یک قدم جدی به جلو ارزیابی میکند و همینجا لازم است که اتحاد و همبستگی کارگران نساجی شاهو و نساجی کردستان را تبریک بگوییم.

### گزارش کوتاهی پیرامون اعتصاب کارگران کارخانه نساجی کردستان

روز سه شنبه ۱۷ آبان ماه سپهر معاون سیاسی استانداری، نادر محمدی رئیس روابط عمومی و ضامنی رئیس حراست اداره کار، شریفی معاون سیاسی نیروی انتظامی، فردی با نام مصطفی و یک مهندس از اداره اطلاعات، مهندس عبدالله نماینده بنیاد مستضعفان از تهران، قربانی مدیر عامل کارخانه، بشارتی مدیر و دیگر مهندسين و مسئولین کارخانه در ساعت ۱۰ صبح برای استارت زدن دستگاهها وارد کارخانه شدند.

نامیردگان به کارگران پیشنهاد نمودند که دستگاهها را استارت نمایند تا به خواستهایشان رسیدگی شود.

کارگران ضمن مخالفت با پیشنهاد آنان استارت دستگاهها را به پرداخت حقوق همراه و حقوق دوران اعتصاب منوط نمودند.

قربانی مدیر عامل کارخانه ضمن گفتگو با

کارگران در سالن تاسیسات به آنان گفت: من می توانم بیمه مدت اعتصاب شما را که مبلغ ۴۰ میلیون تومان می باشد به بیمه پرداخت کنم و به صورت علی الحساب مبلغ ۲۰ روز از حقوق روزهای اعتصاب را به شما پرداخت نمایم، بعدا شما می توانید در هئیت حل اختلاف شکایت نمایید و در صورتی که ما مقصر بودیم بقیه حقوقتان را پرداخت خواهیم نمود و اگر شما مقصر بودید مبلغ داده شده را پس خواهیم گرفت.

پس از خروج آنان کارگران ضمن تهیه طوماری که همه آنها آن را امضا نمودند خطاب به نمایندگان خود اعلام کردند، تا زمانیکه تمامی حقوق و مطالبات ما از جمله حقوق دوران اعتصاب به طور کامل پرداخت نشود و خواستهای ما مورد رسیدگی قرار نگیرد به هیچ وجه دستگاهها استارت نخواهند خورد. به این صورت اعتصاب کارگران کارخانه نساجی کردستان همچنان ادامه دارد.

همچنین خبر دیگری حاکیست که روز یکشنبه ۱۵ آبان ماه "محمد صمدی" کارگر بازخریدی کارخانه نساجی کردستان که از روی ناچاری به شغل رانندگی مشغول بود متأسفانه بر اثر تصادف در جاده سقز جانش را از دست داد.

محمد کارگری زحمتکش از اهالی روستای "هواس آباد" بود که چندین سال در کارخانه نساجی کردستان مشغول کار بود.

### جانباختن یکی از کارگران بازخریدی کارخانه نساجی کردستان

بنا به خبری که به دستمان رسیده است، روز یکشنبه ۱۵ آبان ماه "محمد صمدی" کارگر بازخریدی کارخانه نساجی کردستان که از روی ناچاری به شغل رانندگی مشغول بود متأسفانه بر اثر تصادف در جاده سقز جانش را از دست داد.

محمد کارگری زحمتکش از اهالی روستای "هواس آباد" که چندین سال در کارخانه نساجی کردستان مشغول کار بود از محبوبیت خاصی در میان کارگران برخوردار بود.

ما ضمن تسلیت به خانواده "محمد صمدی" و کارگران کارخانه نساجی کردستان به مناسبت مرگ این انسان شریف و زحمتکش خود را در غم از دست دادن ایشان با آنها شریک می دانیم.

قربانی سپس ضمن اشاره به اینکه کارخانه در مدت اعتصاب ۶۰۰ میلیون تومان ضرر کرده است از کارگران خواست به اعتصاب پایان دهند.

کارگران در جواب قربانی ضمن اشاره به اینکه ما زخم خورده هئیت حل اختلاف هستیم و نمی توانیم به تصمیمات این هئیت اعتماد کنیم، پیشنهاد قربانی را رد کردند.

پس از ناکامی قربانی، مهندس عبدالله نماینده بنیاد مستضعفان از تهران خطاب به کارگران گفت: من قبلا برای حل مشکلات شما به کارخانه آمده ام، ولی مدیر و مدیر عامل کارخانه به من گفتند اگر با کارگران روبرو شوید به شما توهین و بی حرمتی می کنند و جانتان در خطر خواهد افتاد، ولی حالا می بینم که به من دروغ گفته اند و کسی که وارد کارخانه می شود کارگران از او استقبال می کنند.

نامیرده بار دیگر به کارگران گفت که بنیاد مشکل مالی ندارد و می تواند حقوق کارگران را پرداخت کند.

زمانی که گفته های این افراد نتوانست در عزم کارگران خللی ایجاد نماید این بار مصطفی از اداره اطلاعات رو به کارگران کنش را کنار زده و ضمن نشان دادن اسلحه خود به کارگران گفت، اسامی ۱۶ نفر از کارگرانی که باید بازداشت شوند در جیب من است، بر سر کارهایتان بازگردید در غیر این صورت بر اساس قانون با شماها برخورد خواهیم نمود.

ولی کارگران بدون توجه به تهدیدات مسئولین رژیم و عوامل کارفرمایان بار دیگر بر ادامه

انجمن کارگران ایران: احکام صادره علیه فعالان کارگری را محکوم میکنیم

هموطنان

بنابراخبار منتشره در سایتها و روزنامه های دولتی ۵ نفر از کارگران فعال دستگیر شده در جریان روز کارگر در ۱۱ اردیبهشت ۸۳ (اول ماه مه) پس از یکسال و اندی بلاتکلیفی توسط دادگاه جمهوری اسلامی در کردستان به زندان و تبعید به شهرهای دیگر محکوم شدند. اسامی این کارگران عبارتند از: محمود صالحی به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهرستان قروه، جلال حسینی به سه سال زندان، محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبیدیور هرکدام به ۲ سال زندان محکوم شدند. اسماعیل خودکام و هادی تنومند از اتهامات انتصابی تبرئه شدند.

دوستان کارگر

جمهوری اسلامی ایران در بن بست معضلات اجتماعی و اقتصادی و برای سرپوش گذاشتن به سیاستها و بی عدالتی های بی حد و حصر خویش تنها زبان پاسخگویی به افشار زحمتکش و شریف جامعه را سرکوب، زندان، تبعید و اعدام میداند. این است از دستاوردهای دولت مهرورز و عدالت خواه آقای احمدی نژاد!!!!

انجمن کارگران ایران ضمن محکوم کردن هر گونه دستگیری و زندان و یا... برای فعالان کارگری و سیاسی از افکار عمومی و جوامع حقوق بشری استمداد برای رسیدگی به پرونده نقض حقوق بشر در نظام ولایت فقیه را دارد.

آزادی- عدالت- برابری

انجمن کارگران ایران

**اطلاعیه جمعی از کارگران، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان در شهر سنندج در محکومیت صدور حکم برای فعالین کارگری**

جمعی از کارگران، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان در شهر سنندج ضمن صدور اطلاعیه ای صدور حکم زندان و تبعید برای فعالین کارگری را از سوی دستگاه قضائی رژیم محکوم کرده اند.

در این بیانیه آمده است، ما جمعی از کارگران، زندانیان سیاسی و خانواده هایمان در شهر سنندج صدور حکم علیه فعالین کارگری سقز را شدیداً محکوم نموده و خواستار آزادی هر چه سریعتر آنان هستیم.

ما از تمامی تشکلهای کارگری و نهادهای

## ویژه احکام پیدادگاه های جمهوری اسلامی

دبیرکل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری در نامه ای خطاب به دبیرکل سازمان جهانی کار، از وی خواسته است تا در پرونده محکومیت پنج فعال کارگری در ایران که به دلیل شرکت در تظاهرات روز جهانی کارگر و فعالیت های سندیکایی در دادگاهی در شهر سقز به زندان محکوم شده اند، دخالت کند. به گزارش «اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران» دبیر کل این کنفدراسیون همچنین در دومین نامه ی خود به محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور اسلامی ایران، بار دیگر به حکم زندان فعالین کارگری در ایران شدیداً اعتراض کرده و خواهان لغو این احکام شده است:

متن این دو نامه در زیر آمده است:

به دبیر کل سازمان جهانی کار

آقای سوموایا

ما از شما تقاضا می کنیم که از سوی محمود صالحی و جلال حسینی که به خاطر شرکت در جشن روز اول ماه مه ۴۰۰۴، دیروز، ۹ نوامبر ۲۰۰۵ هر کدام به ترتیب به پنج سال زندان و سه سال تبعید و سه سال زندان محکوم شدند، ضمن تماس با دولت ایران در این مورد شخصاً مداخله کنید.

این موضوع، بویژه از این لحاظ برای ما اهمیت دارد که آقای صالحی، به احتمال قریب به یقین، به دلیل ملاقات ایشان با فرستادگان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری ICFTU به زندان محکوم شده است، و نیز اینکه دولت ایران درخواستهای کمیته آزادی تجمع سازمان جهانی کار ILO مبنی بر لغو تمام اتهامات را نادیده گرفته است.

جزئیات بیشتر در این مورد، در نامه پیوست که برای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور فرستاده ایم، آمده است.

در چنین موقعیتی، من امید دارم که ILO مایل است که لزوم احترام به حقوق بنیادی اتحادیه ای و احترام به درخواست های نهادهای ناظر در ILO را به مقامات ایران یاد آور شود. من بویژه مایلم تاکید کنم که این برای متهمین، مهم است که آنان از حقوق کامل برای درخواست فرجام نسبت به احکام صادره برخوردار باشند، و نیز مراحل قضایی آتی بطور عادلانه، شفاف و در صورت امکان، با حضور ناظران بین المللی انجام گیرد.

ما از اطلاع رسانی بیشتر به شما در این مورد، کوتاهی نخواهیم کرد. پیش از آن اما سپاسگزار خواهیم بود اگر شما، همان گونه، که در بالا درخواست شد، در اسرع وقت ممکنه، با تماس با دولت ایران در این مورد دخالت کنید.

با احترام - دبیر کل

مدافع حقوق بشر در ایران و جهان خواهیم برای لغو حکم و آزادی فعالین کارگری شهر سقز تلاش نماییم چون آنان بخاطر حق قانونی خود یعنی مراسم روز جهانی کارگر و ایجاد تشکل آزاد کارگری به زندان محکوم شده و این چنین مورد یورش قرار گرفته اند.

دفاع از فعالین کارگری دفاع از روز جهانی کارگر، دفاع از محمود صالحی و دیگر کارگران و دفاع از آزادی حقوق صنفی و سیاسی کارگران است.

زنده باد آزادی برابری

زنده باد اتحاد کارگران سراسر جهان

پیش به سوی اتحادیه های مستقل کارگری جمعی از کارگران، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان در شهر سنندج

**اعتراض انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نسبت به صدور حکم برای فعالین کارگری**

در حالیکه در جوامع متمدن آزادی فعالیت های اجتماعی جز حقوق انسان می باشد در ایران دفاع از حق خود و مطالبه حقوق غصب شده جرم است. محمود و جلال روز جهانی کارگر سال ۸۳ را در شهر سقز برپا کردند، آنها به همراه کارگران سقز خواستار به رسمیت شناختن حق برگزاری جشن این روز بدون دخالت دولت بودند، این حقی است که در کشورهای متمدن به رسمیت شناخته شده است، ما کارگران ایران نیز این حق را خواستاریم.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ضمن تاکید بر احقاق کلیه حقوق از دست رفته طبقه کارگر ایران، بازداشت و اذیت و آزار فعالین کارگری بویژه صدور احکام حبس و تبعید برای محمود صالحی و جلال حسینی را به شدت محکوم می کند و خواستار لغو فوری آن می باشد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

**دبیرکل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری تقاضا کرد:**

**دخالت سازمان جهانی کار، در پرونده ی محکومیت فعالان کارگری در ایران**

## رئیس کنگره کار کانادا خواستار رفع اتهامات از فعالین کارگری شد

آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور

من این نامه را به نمایندگی از بیش از سه میلیون عضو کنگره کار کانادا ( CLC ) به شما می نویسم. به اطلاع ما رسیده است که محمود صالحی، رئیس سندیکای کارگران خباز شهر سقز و از فعالین سرشناس کارگری، به پنج سال زندان و سه سال تبعید و جلال حسینی، عضو این سندیکا به سه سال زندان محکوم شده اند. همچنین محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور هر کدام به دو سال زندان محکوم گردیده اند. به این ترتیب، پنج نفر از هفت نفری که در آغاز مورد اتهام قرار گرفته بودند، به زندان محکوم شده و دو نفر دیگر، هادی تنومند و اسماعیل خودکام تبرئه شده اند.

هفت نفر یاد شده از تاریخ ماه مه ۲۰۰۴ به بعد مورد بازداشت و آزار و اذیت قرار گرفته اند. آنها به این دلیل با این مصائب روبرو بوده اند که خواسته اند از حقوق خویش از جمله از حق خود برای شرکت در جشن روز جهانی کارگر استفاده کنند.

به دلیل عضویت ایران در سازمان جهانی کار ( ILO ) دولت شما موظف است که حق آزادی تجمع و بنا براین حق آزادی تشکل را رعایت کند. این حق کارگران است که بدون مزاحمت نیروهای دولتی و یا امنیتی، در جشن روز جهانی کارگر شرکت کنند.

ما قویا از شما می خواهیم که اقدامات لازم را برای لغو فوری و بدون قید و شرط همه اتهامات نسبت داده شده به این رهبران کارگری، به عمل آورید.

ما همچنان به همکاری خود با کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری ( ICFTU ) برای نظارت بر گسترش حقوق کارگران در ایران ادامه خواهیم داد. منتظر اقدامات فوری و قاطعانه شما در این موارد هستم. با احترام کنت و گورگتی ( رئیس کنگره کار کانادا ) رونوشت به:

مدیران و معاونان CLC

کمیته اجرایی CLC

جناب جو فونتانا وزیرکار

جناب پی یر پتی گرو وزیر امور خارجه

گای رایدر دبیر کل ICFTU  
سفارت ایران در اوتاوا- کانادا  
الکس مکدوناف NDP  
ترجمه و تکثیر - از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

## حکم غیرقانونی و ناعادلانه برای همسرم جلال حسینی

از: عایشه جهانپور

به: کمیته زنان ICFTU

موضوع: حکم غیرقانونی و ناعادلانه برای همسرم جلال حسینی

۲۵ آبان ۱۳۸۴

۱۷ نوامبر ۲۰۰۵

دستگاه قضائی شهر سقز همسرم را بخاطر تلاش برای شرکت در مراسم روز جهانی کارگر به ۳ سال زندان محکوم کرده است. من روز اول ماه مه ۲۰۰۴ به اتفاق همسرم و دوستانش عازم پارک کودک شهر سقز بودیم. همه بخاطر خوشحال بودیم چرا که میرفتیم در تا جشن روز خودمان شرکت کنیم که ناگهان نیروهای مسلح بما حمله کردند و اجازه ندادند به پارک برسیم. آنها جلال را به همراه ۴۹ تن دیگر به اتهام تجمع غیرقانونی بازداشت کردند. خانواده ها و جمعی از مردم سقز اعتراض کنان به دم دادگاه رفتیم و کاربدستان قضائی را زیر فشار گذاشتیم تا ۴۳ نفر را آزاد کردند، اما جلال به همراه آقایان محمود صالحی، محمد عبدی پور، محسن حکیمی، برهان دیوارگر، هادی تنومند و اسماعیل خودکام در بازداشت ماندند. سازمانها و گروههای زیادی در خارج و داخل حکومت را تحت فشار گذاشتند تا بالاخره بعد از ۱۲ روز همسرم و بقیه آزاد شدند. یکی از سازمانهایی که از زندانیان اول ماه مه پشتیبانی کرد شما بودید که جای بسی سپاسگزاری است. من امروز و دوباره به شما رجوع میکنم تا صدایتان را علیه این حکم ناعادلانه بلند کنید و به کمک ما بشتابید.

همسرم یک کارگر ماهر، سختکوش و با استعداد است که بدلیل فعالیتهای کارگری در لیست سیاه بعضی از کارفرماها قرار دارد. گناه او نیز اینست که میخواهد کارگران دارای شرایط کاری مناسب، دستمزد مکفی و حقوق اجتماعی عادلانه باشند. او آنها را تشویق میکند سازمان یابند و علیه تجاوز به حقوق کارگری مبارزه کنند. خیلی از کارگران بیکارند و آن عدهی نیز که کار دارند، فاقد امنیت شغلی، ایمنی در محیط کار، دستمزد مناسب و حقوق عادلانه اند. همسرم اگر اجازه می یافت در مراسم اول ماه مه شرکت

کند راجع به این مسایل صحبت میکرد. اما او نه تنها دستگیر شد، بلکه همانطور که گفتم در لیست سیاه بعضی از کارفرماها نیز قرار دارد.

البته او بدلیل سختکوشی و برخورداری از چند نوع مهارت هنوز قادر به کسب درآمد هست. ما به فکر بیکاران هستیم. به فکر کسانی هستیم که با داشتن دو کار هنوز نمیتوانند مخرج خانواده شان را تامین کنند. برای مثال من همسر یک کارگر را میشناسم که شش ماه پیش به پسرش قول داده یک کت برایش بگیرد تا در سرمای سخت زمستان سقز راحت تر بتواند خود را به مدرسه اش برساند و هنوز قادر به این خرید نشده است. میلیونها کارگر در ایران وضعی مشابه این خانواده دارند.

من، همسرم و همه کارگران حق دارند علیه این بی عدالتی فریاد اعتراض بردارند. من معتقدم که همسرم را زندانی میکنند تا اگر کسی خواست علیه بی حقوقی کارگران اعتراض بکند و آنها را به ایجاد تشکلهای خود تشویق کند بفهمد که زندان در انتظار اوست. من یک زن معترض علیه بی عدالتی و مادری هستم که آینده بهتری را برای بچه های خود و دیگر بچه ها خواستارم و به این دلیل نسبت به فعالیتهای کارگری همسرم احساس افتخار میکنم و محکومیت او به زندان را محکوم می نمایم. من از سازمان کارگری شما بعنوان یک سازمان حق طلب تقاضا دارم بار دیگر به پشتیبانی از ما برخیزید محکومیت ناعادلانه زندان همسرم جلال حسینی و همسرمان او، محمود، محسن، محمد و برهان را محکوم کنید و با ما همقدم باشید تا مقامات قضائی را واداریم در دادگاه فرجام این احکام را لغو و این فعالان کارگری را کاملاً تبرئه نمایند.

با احترام

عایشه جهانپور

نگذارید همسرم و رفقاییش به جرایم!

واهی زندانی شوند

به تمام نهادها و سازمانهای زنان، به اتحادیه های کارگری و نهادهای دفاع از حقوق بشر! به همه زنان و مردان انسان دوست، به هم سرنوشتان کارگرم در سراسر ایران دوستان عزیز!

همسر من برهان دیوارگر دبیر تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری همراه با ۴ نفر از دوستانش به جرم شرکت در مراسم روز کارگر در سال ۱۳۸۳ در شهر ما سقز

سایر کارگران دستگیر شده، محمود صالحی به ۵ سال زندان و سه سال تبعید، جلال حسینی به ۳ سال زندان، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر هر یک به ۲ سال زندان محکوم شدند.

برگزاری و شرکت در مراسم روز جهانی کارگر طبق مقوله نامه های سازمان جهانی کار، که به امضای دولت جمهوری اسلامی نیز رسیده است، حق هر کارگری است و نمی توان هیچ کس را به خاطر برگزاری یا شرکت در چنین مراسمی محکوم کرد، چه رسد به این که چنین مراسمی اصلاً برگزار نشده باشد و هیچ سخنرانی در آن صورت نگرفته باشد. با این اوصاف و با استناد به چه قانونی می توان کسی را که هیچ جرمی مرتکب نشده محکوم کرد و به زندان انداخت؟ آیا این است نمونه عدالت اسلامی دستگاه قضایی؟ و اگر غیر از این است دستگاه قضایی باید این احکام ناعادلانه را هر چه زودتر لغو کند، شاید بتواند گوشه ای از ستمی را که در این مدت به ما رفته است جبران کند. من به این وسیله به این حکم ناعادلانه اعتراض می کنم و صدای اعتراض خود را بلند می کنم تا هر آن کس که گوشه ای شنیدن دارد صدای مرا بشنود و از همه کارگران و فعالان کارگری، از همه تشکل ها، اتحادیه ها و سازمان های کارگری، و از همه انسان های آزادی خواه و حق طلب در سراسر ایران و جهان می خواهم که با من و دخترم هم صدا شوند و به این ستمی که بر ما رفته است و به این احکام ناعادلانه اعتراض کنند.

منیژه گزرازی، همسر محسن حکیمی  
۱۳۸۴/۸/۲۲

## مصاحبه با محمود صالحی پیرامون حکم اخیر دادگاه انقلاب سقز

به نقل از انجمن کارگری جمال چراغ ویسی :

انجمن: از آنجا که خود شما احتیاجی به معرفی ندارید و پروندهتان باندازهی کافی شناخته شده هست من، با اجازه خود شما، سئوالاتم را مطرح میکنم. این حکم پنج سال زندان و سه سال تبعید را به خود شما ابلاغ کردند یا به وکیل شما؟

محمود: رونوشت حکم برای وکیل فرستاده شده بود. او متن را تلفنی برای من خواند. من طبعاً احتیاج دارم رونوشت حکم را داشته باشم. به همین دلیل از وکیل خواستم آنرا برایم فاکس کند. برایش مقدور نبود. به او بقیه در صفحه ۸

محرومیت، به فقر و بیکاری، به تبعیض و تحقیر اعتراض داریم محاکمه میشویم.

ما در انتظار حمایتهای شما هستیم، ما را تنها نگذارید. خواهان لغو احکام دادگاه و پایان دادن به این زورگویی به ما کارگران در سقز شوید.

با احترام

مریم اخضر پور

عضو جامعه حمایت از زنان سقز

عضو هیئت موسس تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری

۲۶ آبان ۱۳۸۴

## همه کارگران ایران و جهان!

همه تشکل ها، اتحادیه ها و سازمان!

های کارگری

همه انسان های آزادی خواه و حق طلب!

به نقل از کمیته هماهنگی:

در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۳ (اول ماه مه ۲۰۰۴) همسر من، محسن حکیمی، به دعوت جمعی از کارگران خباز شهر سقز برای سخنرانی در مراسم روز جهانی کارگر (اول ماه مه) به این شهر دعوت شد. اگرچه کارگران برای برگزاری مراسم خود درخواست مجوز کرده بودند، اما در ظهر این روز به کارگران اعلام شد که با درخواست مجوز آنان موافقت نشده است. پس از اعلام این خبر در ساعت ۵ بعد از ظهر، همسر من همراه کارگرانی که مهمان آن ها بود، قبل از هر اقدامی دستگیر و روانه زندان شد.

این مراسم هرگز برگزار نشد. هیچ تجمعی صورت نگرفت و به همسر من فرصت داده نشد کلامی بر زبان آورد.

به واسطه این جرم مرتکب نشده همسر من، محسن حکیمی، پس از دوازده روز اعتصاب غذا همراه ۶ تن دیگر از کارگران دستگیر شده در اعتراض به دستگیری غیرقانونی خود و پس از سپردن وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی و بارها و بارها احضار شدن به دادگاهی که طی یک سال و نیم هربار به بهانه ای به زمان دیگری موکول می شد، سرانجام به دو سال زندان محکوم شد. از

## لطفاً اخبار و اطلاعات خود را به

آدرس زیر E-Mail کنید

khbabnameh.karegari@gmx.de

محکوم به زندان شده اند. اینها همراه دو نفر از کارگران بوکان بعد از ۱۲ روز زندان در اردیبهشت ۱۳۸۳ با اعتراضات وسیع در ایران و در سطح بین المللی از زندان آزاد شدند. اکنون بعد از ۱۸ ماه محمود صالحی حکم ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید، جلال حسینی ۳ سال زندان و محسن حکیمی، محمد عبدی پور و همسر هر کدام حکم ۲ سال زندان گرفته اند. برهان دیوارگر در ۱۶ مرداد ماه امسال به جرم فعالیت برای تشکلهای آزاد کارگری، متشکل کردن کارگران بیکار و دفاع از حقوق کودکان دستگیر و بعد از ۴۰ روز زندان و شکنجه باز با همت اعتراضات جهانی با وثیقه آزاد شد و ماجرای محاکمات بعدی او جدا از این ۲ سال زندان هنوز مانده است. این در شرایطی است که برابر با مقوله نامه های سازمان جهانی کار که به امضای دولت ایران نیز رسیده است، برگزاری مراسم روز کارگر حق هر کارگری می باشد و احتیاجی به اخذ مجوز از هیچ سازمان و نهاد دولتی ندارد.

شوهرم و دوستانش مجرم نیستند، روزکارگر و تلاش برای متشکل شدن در مقابل فقر و بی حقوقی کارگران جرم نیست. دفاع از کودک خیابانی و تلاش برای احترام به حقوق کودکان، تلاش برای متشکل کردن کارگران بیکار کجای دنیا جرم محسوب میشود؟ احکام دادگاه سقز ظالمانه است. این احکام و جرایم اعلام شده علیه شوهرم و دوستانش محاکمه کارگر و کودک و انسان به جرم انسانیت است. من زنی از میلیونها زن خانه دارم که در هیچ لیستی در این مملکت بعنوان یک انسان بیکار که حق و حقوقی دارم محسوب نمیشوم. حکم زندان به شوهرم و دوستانش را محاکمه خود و کودکانم میدانم. این تنها همسر نیست که باید زندان برود، این ۲ کودک خرد سال من هستند که در فقر مطلق به سر خواهند برد. با زندانی شدن برهان و دوستانش ما خانواده آنها هستیم که باید در این جامعه بی تامین به زندگی ادامه دهیم. محاکمه کارگران سقز حکم گرسنگی همه ماست.

دوستان عزیزم! من روی خطایم به همگی شماست. به همگی شما زنان و مردان انساندوست و چشم به انتظار حمایت شما هستم. من روی حمایت بی دریغ همگی شما از تهران تا لندن، از آلمان تا کانادا، از سوئد تا سقز حساب میکنم. این احکام علیه محرومان جامعه است، در این مملکت هیچ سرمایه داری محاکمه نشده است و قرار هم نیست محاکمه شود. این ما هستیم، ما کارگران، ما زنان و کودکانمان، ما محرومان که به

احکام بیدادگاه.. بقیه از صفحه ۱

نشان می دهند که به سان همه مرتجعین تاریخ از مبارزات تولید کنندگان نعم مادی جامعه، آن چنان هراسان هستند که چاره ای جز توسل به حربه سرکوب ندارند. سران جمهوری اسلامی به عبث می پندارند که با محکومیت ۵ تن از فعالین کارگری می توانند جنبش رو به رشد کارگری و به ویژه جنبشی که گام های اساسی در جهت سازمان یابی خود برداشته است را خفه نمایند.

کارگران جهان، احزاب کمونیست و چپ، مبارزین آزادی خواه!

ما قادریم این یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به ابتدائی ترین حقوق کارگران در ایران را در هم شکنیم. هیچ قدرتی فراتر از قدرت اراده افکار عمومی و اعتراض سازمان یافته کارگران جهان در دفاع از سرنوشت هم زنجیریان خویش نیست. نباید به جمهوری اسلامی فرصت داد که احکام بیدادگاه هایش را عملی ساخته و موفق به اجرای سیاست سرکوب و ارباب خویش گردد. هیچ وجدان آگاه و مسئولی نمی تواند به خود اجازه دهد که ناظر سرکوب مبارزات کارگری در ایران گردد. پیروزی کارگران در هر گوشه ای از جهان، پیروزی مجموعه جنبش بین المللی کارگران در پیکار بر علیه نظام بربریت سرمایه داری است. ما به سهم خود از هیچ کوششی جهت ایجاد کارزار دفاع از کارگران ایران فروگذار نخواهیم کرد. در این رهگذر به ویژه از کلیه احزاب و سازمان های کمونیستی و چپ و نیروهائی که وظیفه خود را دفاع از جنبش کارگران و مطالبات حق طلبانه آنان می دانند، خواستاریم که ابتکار یک کارزار بین المللی را در لغو احکام صادره از جانب بیدادگاه های جمهوری اسلامی در دست گرفته و تهاجم رژیم را در هم شکنیم.

حزب رنجبران ایران

۱۳۸۴/۸/۲۲ - ۲۰۰۵/۱۱/۱۳

گزارشی از پایان.. بقیه از صفحه ۱

کارخانه نساجی نیز در مقابل بخش کارت زنی آماده شدند.

به هنگام حضور کارگران در کارخانه سرهنگ "یدالله اسدی" از مسئولین نیروی انتظامی رو به کارگران گفت: شما حدود ۲ ماه است که اعتصاب کرده اید و تاکنون هیچ اقدام غیر قانونی انجام نداده اید، ولی به ما دستور داده اند که اگر از کارخانه خارج

شوید به شدت با شما برخورد کنیم، شماری از کارگران نیز خطاب به وی گفتند: وقتی ما گرسنه هستیم، حقوق خود را می خواهیم و کسی پاسخگوی ما نیست، دیگر زنده ماندن یا مردن برای ما فرقی ندارد، ما حق خود را می خواهیم، ما باید صدایمان را به گوش مردم برسانیم، حتی اگر در این راه جانمان را از دست بدهیم.

نامبرده وقتی با اراده و عزم پایان ناپذیر کارگران روبرو شد بلافاصله محل را ترک کرده و از کارخانه خارج شد.

مسئولین رژیم که فهمیدند نمی توانند کارگران را از تصمیمشان منصرف کنند، خطاب به کارگران اعلام کردند که کمیسیون کارگری شورای تامین استان تشکیل خواهد شد و از آنان خواستند که منتظر نتیجه جلسه این کمیسیون باشند.

در همین زمان خبر رسید که کارگران کارخانه شاهو نیز قصد دارند به کارگران کارخانه نساجی ملحق شوند، ولی نیروهای سرکوبگر رژیم کارخانه شاهو را نیز محاصره کرده و از خروج کارگران جلوگیری می کنند.

ساعت ۹ صبح کمیسیون کارگری شورای تامین استان با حضور صادقی زاده مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی استان، قربانی مدیر کارخانه، دولتی رئیس حفاظت اطلاعات، شریفی معاون سیاسی استانداری، مصطفی نماینده اطلاعات و نمایندگان کارگران تشکیل شد.

ساعت ۱۲/۳۰ نمایندگان کارگران در جمع آنان حاضر شده و اعلام کردند که خواسته های کارگران به صورت زیر پذیرفته شده است.

۱\_ بازگشت بدون قید و شرط ۳۶ کارگری که کارفرما کارت آنان را پس گرفته بود.

۲\_ انعقاد قرارداد ۱۹۳ نفر از کارگران قراردادی به صورت دستجمعی در یک برگ.

۳\_ اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل.

۴\_ پرداخت نیمی از حقوق روزهای اعتصاب.

۵\_ نیم دیگر از حقوق روزهای اعتصاب کارگران باید با شکایت کارگران در هیئت حل اختلاف و از مجرای مراجع مربوطه پیگیری شود.

۶\_ کارفرما موظف به پرداخت حق بیمه زمان اعتصاب می باشد.

۷\_ پرداخت حقوق زمان اعتصاب کارگران باید حداکثر تا تاریخ ۸۴/۹/۲۰ صورت گیرد.

به این صورت اعتصاب کارگران کارخانه نساجی کردستان پس از ۵۷ روز و با پیروزی شکوهمند آنان پایان یافت.

تجمع اعتراضی شماری از کارگران خدماتی شهرداری منطقه چهار کرج

بنا به خبری از شهر کرج، امروز یکشنبه ۲۲ آبان ماه شماری از کارگران خدماتی شهرداری منطقه چهار کرج در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق و مزایای معوقه خود در مقابل شهرداری کرج تجمع کردند.

کارفرمایان شرکت خدماتی "اشکان کار" کرج حدود ۵ ماه است که حقوق این کارگران را پرداخت نکرده و عدم پرداخت حقوق کارگران آنان را با مشکلات جدی روبرو کرده است.

طی این تجمع اعتراضی شماری از کارگران معترض اعلام کردند، کارفرمای شرکت مذکور تمامی مطالبات خود را از این شهرداری دریافت کرده است ولی هنوز نسبت به پرداخت حقوق و مزایای معوقه شماری از کارگران این شرکت اقدام ننموده و آنان را در بلاتکلیفی عدم دریافت حقوق خود قرار داده است.

گفتنی است کارگران این شرکت تابحال چندین بار جهت استیلائی حقوق خود به ارگانهای رژیم شکایت کردند ولی تا کنون هیچ اقدامی در جهت پرداخت حقوق و مزایای معوقه آنان انجام نشده است.

اعتراض کارگران شرکت "لامپ الوند" قزوین به عدم پرداخت مطالباتشان

خبری از استان قزوین حاکیست که ۱۰۰ کارگر شرکت "لامپ الوند" بیش از ۵ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و با مشکلات فراوانی روبرو هستند. ۱۰۰ کارگر شرکت نامبرده به علت عدم پاسخگویی کارفرمایان به مشکلاتشان هفته گذشته از مقابل کارخانه تا فلکه اول شهر صنعتی قزوین راهپیمایی کرده و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه و تامین امنیت شغلی خود شدند.

شرکت لامپ الوند در راستای سیاست خصوصی سازی طی سالهای گذشته به بخش خصوصی واگذار شده و بار دیگر به بخش دولت بازگردانده شد، ولی مشکلات کارگران این واحد همچنان پابرجاست و ۱۰۰ کارگر شرکت لامپ الوند ۵ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

گفتنی است طی چند سال گذشته ۴۰۰ کارگر شرکت یاد شده نیز از سر کار هایشان اخراج شده اند.

### تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت گاز و خانواده هایشان در مقابل فرمانداری سرخس

بنا به خبری از شهرستان سرخس در استان خراسان، کارگران اخراجی شرکت گاز و خانواده هایشان امروز سه شنبه ۲۴ آبان ماه در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار نمودند.

۲۳ کارگر شرکت گاز سرخس که ۱۶ نفر از آنان بیش از ۲۰ سال سابقه کار در این شرکت را دارند و به صورت قرار دادی مشغول کار بوده اند بعد از پایان قرار دادهایشان از سوی مسئولین این شرکت از سر کار اخراج شده اند.

کارگران اخراجی شرکت گاز سرخس که در تجمع اعتراضی امروز در مقابل فرمانداری همراه خانواده هایشان شرکت کردند خواستار بازگشت برسرکار هایشان شدند.

این دومین تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت گاز سرخس در مقابل فرمانداری این شهرستان طی ۱ هفته گذشته میباشد.

### تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته کارخانه "آزمایش" در مقابل فرمانداری مرو دشت

بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه "آزمایش" مرو دشت امروز چهارشنبه ۲۵ آبان ماه در اعتراض به عدم پرداخت مزایای پایان کار خود در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی خواستار پاسخگویی مسئولین رژیم و کارفرمایان به وضعیت خود و همچنین پرداخت مزایا و مطالبات پایان کارشان شدند.

۱۱۰ نفر از کارگران کارخانه آزمایش مرو دشت به دنبال بازنشستگی و پایان کارشان تاکنون مزایا و مطالبات قانونی خود را دریافت نکرده اند.

کارخانه آزمایش مرو دشت یکی از مراکز مهم صنعتی فارس بوده و تولید کننده وسائل خانگی می باشد.

### تجمع اعتراضی کارگران بیمارستان "افلاطونیان" در مقابل فرمانداری بم

بیش از ۱۰۰ نفر از کارمندان بیمارستان "افلاطونیان" امروز چهارشنبه ۲۵ آبان

قانونی دو نفر از کاندیداهای آنان در انتخابات بازرسی این تعاونی در محل ناهارخوری کارگران منطقه ۱ شرکت واحد (میدان رسالت خیابان هنگام) متحصن شدند.

طبق اعلام قبلی مقرر شده بود امروز انتخابات بازرسی این تعاونی در محل ناهارخوری منطقه ۱ برگزار گردد. اما به شکل غیرمنتظره ای اسامی آقایان یعقوب سلیمی و احمد مهرمین که کاندیداهای معرفی شده توسط سندیکای کارگران شرکت واحد هستند از لیست کاندیداهای شرکت کننده در انتخابات حذف شد و اعتراض کارگران حاضر به جایی نرسید.

طبق اساسنامه ای این تعاونی کلیه اعضای تعاونی می توانند در انتخابات شرکت کرده، انتخاب شوند یا انتخاب کنند و کسی خارج از تعاونی حق دخل و تصرف، عزل و حذف در انتخابات را ندارد. هیئت مدیره فعلی تعاونی به شکل دو پهلو و شفاهی گاه حراست و گاه مدیریت شرکت واحد را مسئول حذف این دو کاندیدای سندیکای کارگران برای احراز سمت بازرسی تعاونی مصرف معرفی می کند.

این تحسن تا لحظه مخابره خبر (ساعت ۲۱ روز يكشنبه) ادامه داشته است.

انجمن فرهنگی حمایتی کارگران

### تجمع اعتراضی شاکیان شرکت خانه سازی سهند در مقابل قوه قضائی رژیم

بنا به خبری از شهر تهران، صبح امروز سه شنبه ۱۷ آبان ماه حدود ۲۰۰ نفر از شاکیان شرکت خانه سازی سهند در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده آنان و فراری دادن مدیران شرکت نامبرده از سوی قوه قضائی رژیم ضمن دادن شعارهایی اقدام به تجمع اعتراضی نمودند.

مالباختگان پرونده شرکت ساختمانی سهند که پیشتر نیز در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده آنان چندین بار در مقابل ارگانهای رژیم اقدام به تجمع اعتراضی نموده بودند خواهان به جریان انداختن پرونده شکایت خود از شرکت نامبرده شدند.

گفتنی است مدیران شرکت ساختمانی سهند با کلاه برداری مقدار زیادی پول از متقاضیان خرید خانه دریافت نموده ولی هیچ اقدامی جهت تحویل منازل به متقاضیان نموده و اعلام ورشکستگی نموده بودند.

ماه در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولین رژیم به تعطیلی این بیمارستان و اخراج خود در مقابل فرمانداری شهرستان بم تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بیمارستان افلاطونیان به دنبال زلزله سال ۸۲ در شهر بم به بخش خصوصی واگذار شده و اقدامات مسئولین بخش خصوصی باعث تعطیلی این مرکز و بیکاری ۱۵۰ کارمند آن شده است.

به دنبال تعطیلی این بیمارستان کارمندان اخراجی چندین بار به نهادهای رژیم مراجعه و خواستار بازگشایی بیمارستان و بازگشت بر سرکار هایشان شده اند، ولی تاکنون هیچ اقدامی جهت رسیدگی به خواسته های آنان انجام نشده است.

### هزاران کارگر روز بیست و نه آبان در قزوین دست به اعتراض خواهند زد

هزاران کارگر استان قزوین روز ۲۹ آبان، در سالروز تصویب قانون کار در اعتراض به تصویب حقوق کارگران دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی آمیز خواهند زد. انجمن کارگران ایران طی بیانیه ای از تجمع اعتراضی کارگران قزوین که در روز ۲۹ آبانماه برگزار میشود حمایت کرد. در این اطلاعیه آمده است: بنابر آمار اعتراضات، تنها در ماه مهر، شاهد ۱۴۰ حرکت اعتراضی کارگری بوده ایم، که شامل کارگران بجان آمده در کارخانه های نازنخ قزوین، نساجی سعادت یزد، صنعت دامپروری اردبیل، صید پره تهران، کارخانه قند دزفول، شیشه میرال تهران، کاغذسازی کارون شوشتر، بارش اصفهان، شرکت واحد تهران، فروشگاه تعاونی رشت، و..... که اغلب این تجمعات چندین روز و هفته بطول انجامیده است، ولی علیرغم تمامی این اقدامات کارگران، تاکنون هیچ مقام مسئولی نه تنها پاسخگویی مشکلات کارگران نبوده بلکه در مواردی همانند کارخانه پارس بابل، نماینده و امام جمعه شهر، با دادن برکه سفید به حمایت از صاحبان چپاول برآمده، تا بیش از پیش بر این قشر زحمتکش فشار بیاورند

### تحصن کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی اعتراض اعضای تعاونی مصرف به دخالت در انتخابات بازرسی

تحصن اعضای شرکت تعاونی مصرف کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران از ظهر روز يكشنبه ۱۵ آبان ماه عده ای زیادی از اعضای تعاونی مصرف کارگران شرکت واحد در اعتراض به حذف غیر

بقیه از صفحه ۵

گفتم شخصاً به تهران میایم تا آنرا بگیریم. پذیرفت. از سفر به تهران سفر کردم، ولی وکیل در دسترس نبود. به این جهت من خود رونوشت حکم را ندارم.

انجمن: سایر احکام چطور ابلاغ شد؟ محمود: آنها را نیز برای وکیل فرستادند. به آقای جلال حسینی سه سال زندان دادند. آقایان اسماعیل خودکام و هادی تتومند قرار منع تعقیب صادر شده است که موجب خوشحالی است. به آقایان محسن حکیمی؛ محمد عبیدی پور و بورهان دیوانگر هر کدام دو سال زندان داده‌اند.

انجمن: کمیته هماهنگی در اطلاعیه خود اشاره به ماده قانونی کرده که بر اساس آن شما را محکوم کرده‌اند. ممکن است در مورد این ماده توضیح بیشتری بدهید؟

محمود: یک ماده نوشته‌اند بنام ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی. طبق این ماده اگر دو نفر یا بیشتر جمع بشن و بخوان کاری علیه امنیت مملکت بکنند، تازه اگر اتهام محارب را به نافش نبسته باشند از دو تا پنج سال محکومش میکنند. آقای قاضی در اینمورد حداکثر مجازات را برای من تعیین کرده است.

انجمن: خوب این چه ربطی داره به شما و دوستان شما که بطور مسالمت‌آمیز بطرف پارک کودک میرفته‌اید تا در بزرگداشت روز جهانی کارگر شرکت کنید؟

محمود: اینرا از قاضی محترم باید بپرسید. انجمن: حکم تبعید از کجا در آمده؟

محمود: یک ماده‌ئی هست بنام ماده ۱۹ قانون مجازاتهای اسلامی که به قاضی اجازه میده مجازاتهای زیاد بکنه به آنچه در ماده ۶۱۰ آمده است. قاضی از آنهم علیه من استفاده کرده و بر اساس آن سه سال تبعید به قروه داده است.

انجمن: این اتهام تشویش اذهان عمومی چیست که به اتهامات افزوده‌اند و چرا به آن رسیدگی نشده است؟

محمود: من در سال ۸۲ بر اساس میزان تورم و یک سطح توقع معمولی و انسانی یک جدول درست کردم بنام جدول خانواده پنج نفره. بر اساس محاسبه من حداقل دستمزد میبایست ۲۵۵ هزار تومان در ماه میبود، در حالیکه حداقل دستمزد رسمی در آن زمان روزانه ۸۰ هزار تومان. من به مسئولین جمهوری اسلامی نوشتم که دستمزد واقعی کارگران باید پرداخت شود. میگویند توجه دادن به این امر تشویش اذهان عمومی است و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاههای عمومی است. انجمن: خوب این درخواست شما کاملاً انسانی است و مطمئناً اکثریت اعضای جامعه

را خوشحال کرده است. شما ممکن است ذهن قلیلی کارفرما و سرمایه‌دار را مشوب کرده باشید. آیا جامعه فقط این معدود صاحبان ابزار تولید و پول و املاکند؟

محمود: این سؤال را هم باید از مقاماتی بپرسید که پرونده من را نوشته‌اند. البته من روز خودش از حقوق خود دفاع خواهم کرد.

انجمن: حدود یکسال و نیم طول کشید تا پرونده شما هفت نفر مورد رسیدگی قرار گرفت. ممکن است دلایلتان را بیان کنید؟ محمود: اعتراضات در ایران و در سطح بین‌المللی زیاد بود و حتماً این مسئله تاثیر داشته است. مثلاً خود بنده در ۱۶ فروردین دادگاهی شدم و حکم در همان ماه صادر شد. ولی آنرا به دفتر دادگاه و وکیل من ابلاغ نکردند. اینکه چرا اینکار را کردند، باید از مسئولان قضائی پرسیده شود.

انجمن: به نظر شما آن اعتراضات چقدر در تصمیم گیریه موثر بوده؟ محمود: طبعاً آنها را محتاط کرد. برای بخشی از اتهامات منع پیگرد قانونی شدند. در واقع ما را از آنها تبرئه نکرده‌اند، بلکه منع پیگرد زده‌اند. اگر فرصت مناسبی دستشان بیافتد ممکن است آنها را پیگیری کنند.

انجمن: چرا احکام را در این زمان مشخص اعلام کردند؟ محمود: اینرا نیز مسئولان قضائی در سفر باید جواب بدهند. اما من نکاتی بنظرم میرسد که بیان میکنم. در حال حاضر جنبش کارگری تحرك خوبی دارد. تلاش برای ایجاد تشکلهای واقعی در جریان است. روزی نیست که خبر چند اعتصاب کارگری در این گوشه و آن گوشه کشور، پخش نشود. در همین جا کارگران کارخانه نساجی کردستان حدود ۵۰ روز است که در برابر توطئه و تهدید و فشار ایستاده و به اعتصاب خود ادامه داده‌اند تا به خواستههای خود برسند. رهبران این کارگران مداوماً احضار و تهدید میشوند و زیر فشار قرار داده میشوند. به این کارگران اعتصابی گفته‌اند که حکم بازداشت ۱۶ نفر از آنها صادر شده. اما اینها تسلیم نمیشوند. کارگران کارخانه پارچه بافی شاهی نیز به همین شکل. آنها نیز تحت فشارند، اما دست از مبارزه برای حقوق حقه خود برنمی‌دارند. شاید مسئولان فکر کرده‌اند که اگر احکام ما را در چنین شرایطی اعلام کنند روی این جریانات مبارزاتی تاثیر بگذارند.

انجمن: شما چه بوده؟ محمود: خشم، نگرانی و ناراحتی. کسانیکه شماره تلفن ما را دارند شب و روز تلفن میزنند. نگرانی و همدردی خود را اعلام میکنند. می‌پرسند که چکار کنند. ما هنوز

تصمیمی نگرفته‌ایم. ولی طبعاً از حقوق خود دفاع خواهیم کرد. انجمن: پس بعداً توقع خود از تشکها و فعالین کارگری در داخل را اعلام میکنید؟ محمود: فضای جامعه ما بسته است و اگر کسی بخواهد در اینگونه موارد دخالتی بکند بایستی همه جوانب را مورد دقت و ارزیابی قرار دهد. به همین جهت تاکنون اتحادیه‌ها و انجمنها عکس‌العملی انجام نداده‌اند. کمیته‌ئی در شهر مریوان (کمیته همبستگی کارگران شهرستان مریوان) تشکیل شده که تا کنون دو اعلامیه صادر کرده‌است. آنها در این اعلامیه‌ها حکم محکومیت ما را محکوم کرده و خواهان لغو فوری آن شده‌اند. این که اتحادیه‌ها و انجمنها و فعالین کارگری و حقوق بشری چکار خواهند کرد در آینده روشن میشود.

انجمن: دستگیری شما و اتهامات متعاقب آن موجب اعتراضات شدید و اقدامات گسترده در سطح بین‌المللی شد. فکر می‌کنید که تشکها و فعالین کارگری و حقوق بشری در کشورهای مختلف جهان باید برای دفاع از شما چکار کنند؟ محمود: من بار دیگر از همه‌ی فعالین و تشکلهای کارگری در سطح بین‌المللی تشکر میکنم. آن فعالیتها مقامات قوه قضائیه را دست به عصا کرد. طبعاً کسانیکه خود در محل هستند بهتر تشخیص میدهند که چکار کنند. اما باید بگویم که در این مرحله نامه نویسی دیگر کافی نیست. به اقدامات موثرتری احتیاج هست. اگر اعتراضات و مبارزات پر تاثیر در خارج سازمان داده شود و یک هماهنگی بین مبارزات داخل و خارج ایجاد شود میشود مقامات قضائی را به عقب نشینی واداشت. اگر آنها متوجه شوند که فشار زیاد است راهی برای رهائی خود جستجو خواهند کرد. چون ما هیچ جرم غیره قانونی مرتکب نشدایم زیرا در ماده ۶۳ قانون کار جمهوری اسلامی روز کارگر به رسمیت شناخته شده است. در حال حاضر خواست حداقل ما لغو احکام و اعلام برائت ۵ نفر باقیمانده است. حتی منع پیگرد کافی نیست. تبرئه کامل لازم است.

انجمن: سئوالات من تمام شد. اگر شما نکته‌ئی بنظرت میرسد بفرما.

محمود: همانطور که گفتم پس از اعلام احکام علیه ما تلفنهای زیادی شده و اظهار نگرانی کرده‌اند. من دست همه این دلسوزان را میفشارم. ICFTU نیز یک نامه اعتراضی شدیدالحن به رئیس جمهور نوشته که موجب تشکر است. من به همه فعالین کارگری اطمینان میدهم که مبارزه ما ادامه خواهد یافت. اگر فرجام خواهی ما نتیجه نداد و ما به

هاي آخر دهه بيست پايان گرفت، شايد همين بعد سياسي بود که سرکوب جنبش کارگري را در دستور حکومت قرار داد.

با اين همه تشکل هاي کارگري و بخصوص اعتصاب کارگران صنعت نفت توانست در همين سال هازمينه ملي شدن صنعت را فراهم کند. پس از کودتا ۲۸ مرداد اگر چه بسياري از گروه هاي سياسي و روشنفکران با وجود فضاي سنگين امنيتي نتوانستند آن چنان که بايد به فعاليت هاي خود ادامه دهند، اما جنبش کارگري به رغم فراز و فرودها با برگزاري اعتصاب هاي بزرگ هم چنان به بقاي خود ادامه داد. نگاهی به فهرست بلند اعتصاب ها در فاصله سال ۳۲ تا ۵۷ مي تواند تايبدي بر تداوم جنبش کارگري باشد. از جمله اين اعصاب ها مي توان به موارد زير اشاره کرد: اعتصابات نفت در سال هاي ۱۳۳۹-۱۳۳۴، اعتصاب ۱۲ هزار راننده تاکسي در فروردين ۱۳۳۷، اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کوره پز خانه هاي تهران در خرداد ۱۳۳۸، و اعتصابات کارگران نساجي در همان سال، اعتصابات نفت و صنايع نساجي و نانوايي ها در سال ۱۳۴۰، که تظاهرات ۳ هزار کارگر بي کار در بندر معشور [ماه شهر] را شامل مي گرديد، اعتصاب مجدد ۲۵ هزار کارگر کوره پز خانه ها در سال ۱۳۴۱، اعتصاب کوتاه مدت کارگران راه آهن و نفت در سال ۱۳۴۲، اعتصاب ۱۶ هزار تاکسي ران در آذر ۱۳۴۳، اعتصاب کارگران معدن در سال ۱۳۴۴، اعتصاب کارگران کارخانه هاي نساجي و ۱۳ هزار کارگر آبادان در سال ۱۳۴۷، اعتصابات مهم سال ۱۳۴۸، به ويژه اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوسراني تهران دره اسفند ۱۳۴۹، اعتصابات پي درپي در سال هاي ۱۳۵۲-۱۳۵۰، به ويژه تظاهرات خونين کارگران جهان چيت، اعتصاب ۴۰ روزه کارگران نفت آبادان در ۱۳۵۳، اعتصاب کارگران ايران ناسيونال در ۱۳۵۴، اعتصاب در صنايع نساجي، ذغال سنگ و نفت در ۱۳۵۵، اعتصاب بي شمار کارگران در همه رشته ها در سال ۱۳۵۶ و بالاخره اعتصابات عظيم سرنوشت ساز و سراسري در سال ۱۳۵۷.

#### اعتراض مسالمت آميز

در سال هاي پس از انقلاب اما جنبش کارگري دچار رکود شد. گسترش گروه هاي سياسي چپ و مخالفت آنها با جمهوري اسلامي بهانه يي شد تا جنبش کارگري نیز در اين مرحله مورد تهديد قرار گرفت. در همين

با تشکل هاي صنفی کارگران در روسيه و سندیکاهاي کارگري و هم چنين تحت تاثير فضاي انقلابي آن سامان، چشم هایشان بر حقوق کارگران گشوده شد.

به نوشته برخي از محققان جنبش کارگري نخستين اتحاديه کارگري ايران صد سال پيش، در چاپخانه "کوچکي" در تهران تشکيل شد. اين اتحاديه چهار سال بعد ابعاد فراگير تري يافت و به نخستين اتحاديه کارگران چاپخانه هاي تهران در سال ۱۲۹۰ بدل شد. در همان سال ها اتحاديه هاي کارگري ديگري نيز به تدريج شکل گرفتند که ديگر تنها منحصر به پايخت نبودند. کارگران مشهد، تبريز، بندرانزلي و برخي ديگر از شهرها در ايجاد و شکل گري نخستين اتحاديه هاي کارگري نقش بسزايي داشتند. بر اساس يک تحقيق در اين باره "شعارهاي ۸ ساعت کار، زمين براي دهقان و جمهوري، در انقلاب مشروطه ايران به وسيله همين پيشگامان جنبش سندیکايي مطرح گرديد، که خود آنان در مراحل مهم انقلاب در تبريز، رشت، تهران و مشهد شرکت فعال و موثر داشتند".

از آن پس به تدريج نارضايي از شرايط و مبارزه با استثمار نیز در بروز جنبش ها و قيام هاي يک صد سال گذشته نقش تازه و پررنگي را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۰۰ بيش از سي هزار کارگر ايراني به عضویت سندیکاهاي کارگري در آمده بودند. نخستين اعتصاب گسترده کارگران در همان سال ها بود که برگزار شد: "اعتصاب ۱۴ روزه کارگران چاپخانه ها". يکي ديگر از اين اعتصاب ها نیز اولين اعتصاب کارگران صنعت نفت در آبادان بود که آغاز رو در روي کارگران ايراني با حکومت نیز بود. در همين سال ها و تحت تاثير جنبش نوحاسته کارگري "دولت وثوق الدوله به پذيرش روز کار ۸ ساعته و به رسميت شناختن آزادي فعاليت سندیکاها ناگزير گرديد و براي نخستين بار در ايران جشن کارگري اول ماه مه به آزادي برگزار شد".

اگر چه در سال هاي بعد فعاليت اتحاديه هاي کارگري در ايران سرکوب شد اما اين تشکل ها پس از شهريور ۲۰ بار ديگر فعاليت گسترده تري را آغاز کردند. در همين دوره از فعاليت اتحاديه هاي کارگري بود که پس از تشکيل حزب توده که مبلغ آرمان هاي جنبش کارگري بود فعاليت اتحاديه هاي کارگري بعد سياسي نیز پيدا کرد. وقتي ماه عسل جنبش کارگري که با تصويب نخستين قانون کار در سال ۱۳۲۵ همراه بود، در سال

زندان افتاديم، آنگاه بر اساس شرايط مبارزه خود را ادامه خواهيم داد. در آنصورت ما وارد يك فاز ديگر خواهيم شد. زندان هم محل مبارزه است. آنجا پر از قربانيان جامعه سرمايه داری است. از آنجا نیز ميشود صدای خود را به بيرون رساند. آنها که اين احکام را عليه ما صادر کرده اند فکر ميکنند ما عقب می نشينيم. اين خیالی خام است. در روز اول ماه مه ۸۳ ما را بازداشت کردند تا مراسم روز جهانيان را نگیريم، اما ما در همان بازداشتگاه با نوای الهام بخش سرود انترناسيونال روز طبقاتی و جهانی خود را گرامی داشتيم. در اينمورد نیز همين کار را خواهيم کرد. - انجمن کارگري جمال چراغ ویسی

#### برخورد تند با رهبران جنبش کارگري اعتراض های کارگري، چالش آینده

ديروز محمد شريف، وكيل مدافع برخي از متهمان تجمع روز کارگر در سفر خبر داد که دادگاه انقلاب اين شهرستان، پنج تن از اين متهمان را به حبس محکوم کرده است. دادگاه انقلاب در حالي اين کارگران را به زندان محکوم کرده، که اعتراضات کارگري در سال هاي اخير رو به گسترش بوده و در چند ماه گذشته نیز با اعتراض کارگران شرکت واحد اتوبوسراني تهران و ده ها کارخانه ديگر ابعاد تازه تري يافته است.

با اين همه و به رغم وعده هاي داده شده به کارگران تاکنون مقامات دولتي هيچ گونه پيشرفتي در حل مشکلات جامعه کارگري نداشته اند. به اعتقاد صاحب نظران يکي از چالش هاي آینده حکومت اسلامي، جنبش کارگري است که در صورت نادیده گرفته شدن وبی توجهی مقامات دولتي، مي تواند در آینده اعتراضات وسيع تري را به دنبال داشته باشد.

#### يک صد ساله

نخستين آشنايي کارگران ايراني با جنبش کارگري قريب به يک صد سال پيش شکل گرفت. هنگامی که نهضت مشروطه طلبی، اعتراض به استبداد را در سر لوحه هدف هایش قرار داده بود، برخي از کارگري که براي کار به روسيه رفته بودند ضمن آشنايي

#### لطفا اخبار و اطلاعات خود را به آدرس زیر E-Mail کنيد

khbarnameh.karegari@gmx.de

دوره بود که با تشکیل انجمن های اسلامی به جای اتحادیه های کارگری، حرکت های کارگری کنترل شد. پس از آن نیز و در همین راستا، خانه کارگر شکل گرفت. با این همه از نخستین سال های دهه هفتاد بار دیگر تشکل های کارگری مستقل شکل گرفتند.

آنها به تدریج ابعاد گسترده تری یافتند و توانستند در قالب خواسته های صنفی به اعتراضاتی دست بزنند با این همه به خاطر نگاه امنیتی به جنبش کارگری، هزینه فعالیت در اتحادیه های کارگری حتماً پس از گذشت چهارده سال از سربر آوردن دوباره جنبش کارگری، همچنان بالاست، به گونه ای که هنوز تشکل های صنفی کارگران نتوانسته اند جایگاه شایسته خود را پیدا کنند.

اما به رغم همه اینها، در دو سه سال اخیر اعتراضات کارگری چنان رو به گسترش است که به نظر یک کارشناس سیاسی ممکن است اعتراضات کارگری در آینده به یکی از دلشغولی های دولتمردان تبدیل شود. در ماه های گذشته کارگران صدها کارخانه در سراسر کشور به اعتراض و تحصن دست زده اند. بر اساس گزارش های منتشر شده در خبرگزاری های رسمی کشور از ابتدای شهریور ماه تاکنون کارگران کارخانه هایی چون سعادت نساجان یزد، مهنخ، فرنخ، مدنخ، قزوین، کارخانه شاهو، قند دزفول، ذغال سنگ البرز غربی، شیشه میرال، چینی مهدی، ایران برک، فرش گیلان، فومنا و ده ها کارخانه دیگر در سراسر کشور به تحصن در برابر نهاد های دولتی و از جمله مجلس دست زده اند. اغلب این کارگران به عدم پرداخت حقوق ماهیانه خود معترض اند.

### کارگران ایران خودرو احکام صادره علیه فعالین کارگری را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغوفوری آن می باشند

کارگران ایران خودرو احکام صادره علیه فعالین کارگری را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغوفوری آن می باشند

همکاران گرامی و دوستان کارگر سرمایه داران یکبار دیگر نیت خود را مقابل کارگران ایران نشان دادند آنها یکبار دیگر برای جلوگیری از هرگونه تشکل و هرگونه اعتراض و اعتصاب که حق مسلم کارگران است دست به کار شده و شدید ترین احکام را علیه کارگرانی که در مراسم روز اول ماه مه که به جرم شرکت در گرامیداشت مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز دستگیر شده بودند صادر کردند

ما کارگران ایران خودرو احکام صادره شده علیه کارگران را محکوم کرده و خواهان لغو فوری آن می باشیم

کارگران حق دارند روز جهانی کارگر را گرامی بدارند هیچکسی حق ندارد مانع شرکت کارگران در گرامی داشت روز کارگر شود

بین المللی کار هستند در کارگاهها رعایت نمی شود و اکثر کارگران از حقوق طبیعی خود محرومند". خیل پرشماری از کارگران حقوق ماهیانه شان حتماً به اندازه ۲۵۰ هزار تومانی نیست که به گفته برخی از نهاد های دولتی کف خط فقر است. به گفته یکی از نمایندگان مجلس از میان بیش از یک میلیون کارگر ساختمانی بسیاری شان مجبورند برای گرفتن دستمزدهای حداقلی شان با کارفرمایان درگیری فیزیکی پیدا کنند.

یک جامعه شناس در باره مشکلات کارگران می گوید: "این مشکلات حاصل عوامل مختلفی است. از اعمال سیاست های غلط اقتصادی، وجود تبعیض، بی توجهی به مدیریت علمی، تصویب قوانین غیر کارشناسی و از همه مهم تر سرکوب نهاد های صنفی کارگران، عوامل پدید آمدن شرایط بحرانی در جامعه کارگری است".

هیولای خفته

مقامات حکومتی اما در ماه های اخیر بیش از گذشته نگران سر بر آوردن جنبش کارگری هستند. این نگرانی هنگامی پدیدار شد که کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران در چند ماه گذشته در قالب اعتراضات سندیکایی خود نسبت به شرایط موجود شرکت کردند. این اعتراضات به گفته ابراهیم مددی نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد "پیرو مطالبات صنفی انجام نشده و اخراج ۱۷ نفر از افرادی که در پی پیگیری این مطالبات از شرکت واحد اخراج شدند و درخواست های متعددی که در سال های گذشته پاسخ گویی نشده" صورت گرفت.

رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برای اعلام اعتراض خود در ۱۶ مرداد چراغ های اتوبوس خود را روشن کردند. اگر چه آنها با روش های مسالمت جویانه برای رسیدن به خواسته های خود شروع کردند، اما با برخوردهای قهر آمیزی مواجه شدند. به گفته مددی: "ما مرتباً درخواست های خود را با مدیران مطرح کردیم ولی با اخراج ۱۷ نفر از همکاران، قطع کردن اضافه کاری، تعویض منطقه و خطوط و جلوگیری از ارتقاء رتبه، احضار های مکرر که هیچ گونه توجیه قانونی وجود ندارد، مواجه شدیم".

اعتراض صنفی کارگران اتوبوسرانی تهران البته نگرانی مقامات حکومتی را تشدید کرد؛ چرا که به دنبال این اعتراضات مسوولان شرکت واحد برای جلوگیری از تشکیل جلسات سندیکای کارگران کوشیدند و حتماً

علاوه بر اینها، وضعیت بهداشت کارگران در کارخانه ها و کارگاه ها در شرایط نامطلوبی قرار دارد. فرانک قاسم زاد متخصص طب کار، چندی پیش هشدار داد که: "در حال حاضر هیچ یک از این موارد که جزء قوانین

اما به رغم همه اینها، در دو سه سال اخیر اعتراضات کارگری چنان رو به گسترش است که به نظر یک کارشناس سیاسی ممکن است اعتراضات کارگری در آینده به یکی از دلشغولی های دولتمردان تبدیل شود. در ماه های گذشته کارگران صدها کارخانه در سراسر کشور به اعتراض و تحصن دست زده اند. بر اساس گزارش های منتشر شده در خبرگزاری های رسمی کشور از ابتدای شهریور ماه تاکنون کارگران کارخانه هایی چون سعادت نساجان یزد، مهنخ، فرنخ، مدنخ، قزوین، کارخانه شاهو، قند دزفول، ذغال سنگ البرز غربی، شیشه میرال، چینی مهدی، ایران برک، فرش گیلان، فومنا و ده ها کارخانه دیگر در سراسر کشور به تحصن در برابر نهاد های دولتی و از جمله مجلس دست زده اند. اغلب این کارگران به عدم پرداخت حقوق ماهیانه خود معترض اند.

برخی از این کارگران ۲۵ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. شمار دیگری از کارگران کارخانه هایی هم که در دهه گذشته در جریان خصوصی سازی به برخی از مقامات با نفوذ واگذار شده اند، پس از تغییر کاربری زمین این کارخانه ها بیکار شده اند. بخش وسیعی از کارخانجات در رقابت با وارد کنندگان متنفذ دچار ورشکستگی شده و کارگران شان را اخراج کرده اند. این تنها نمونه هایی از وضعیت کارگران در سال های اخیر است و روز به روز بر تعداد چنین کارگرانی نیز افزوده می شود.

مسولان انتظامی و قضائی که در سال ۸۳ به مراسم روز کارگر حمله کرده و عده ای از کارگران شرکت کننده در این مراسم را دستگیر کرده بودند به جایی معذرت خواهی از کارگران بعد از حدود یکسال و اندی امروز آنها را رورانه زندان کرده اند آنها نشان دادند که ارزشی برای حقوق انساتها و حقوق بشر قائل نیستند. آنها نشان دادند که حامی منافع سرمایه دارن و کارفرما ها هستند همکاران گرامی و دوستان کارگر

اول ماه مه روز جهانی کارگر است در این روز کارگران حق دارند که یاد کارگران کشته شده در شهر شیکاگو را گرامی بدارند این روز روز جهانی کارگران است هیچکسی حق ندارد مانع شرکت کارگران در گرامی داشت روز کارگر شود همه کارگران سراسر جهان این روز را گرامی می دارند و کارگران ایران نیز حق دارند در این روز در مراسمهای مستقل خود جدا از تشکلهای دولتی شرکت کرده و مطالبات خود را مطرح کنند در تقویم ایران نیز این روز روز رسمی برای کارگران است ولی متأسفانه علیرغم تعطیلی این روز سرمایه دارند ایران حاضر نشده اند این روز را به عنوان روز تعطیلی بپذیرند و ما شاهد هستیم در اکثر واحدهای کارگری کارگران را وادار می کنند که در این روز در سر کار حاضر شوند دولت ایران حاضر نیست این روز را به عنوان روز کارگری بپذیرد برای همین است از شرکت کارگران در این روز جلوگیری کرده فقط مجوز راهپیمایی را به تشکل خاص دولتی آن هم در جاهای دور از دسترس کارگران می دهد.

مانع تشکیل هر گونه تشکل کارگران می شود در حالی که کارگران ایران هر روز شاهد تجاوز به حقوق خودشان هستند در حالی که هزاران کارگر ماهها حقوق دریافت نکرده اند در حالی که روزانه در شرکت ما دهها کارگر اخراج می شوند در حالیکه در اثر نا امنی محیط کار دهها نفر از دوستان ما جان خود را از دست داده اند و دهها نفر قطع عضو شده و در کنج خانه افتاده اند در حالیکه هیچکسی و هیچ قاضی به فریاد کارگران نساجی ها و غیره که هر روز تعطیل و کارگران خود را اخراج می کنند نمی رسند. در حالیکه شرکتهای پیمانکاری هر روز به حقوق ما کارگران تجاوز کرده و حتی حقوق قانونی وزارت کار را به ما نمی پردازند در حالیکه شرکتهای دولتی همچون شرکت ما با تحمیل قراردادهای موقت در کارهای دائم ما را برده وار استثمار می کنند

صدور این احکام در این زمانی که کارگران قزوین و کاشان و سنندج و دهها شهر دیگر برای گرفتن حقوق خود مقابل مجلس جمع شده اند و هیچ کسی پاسخگوی آنها نمی باشد علیه فعالین کارگری که حاضر نیستند تن به هر کاری بدهند چه معنایی غیر از ضدیت با خواست کارگران دارد. ما کارگران ایران خودرو این احکام صادره علیه کارگران شهر سقز را محکوم کرده و از همه دوستان کارگر می خواهیم در هر جا که هستند علیه این احکام صادره اعتراض کنند و از قاضی صادر کننده احکام می خواهیم که به خاطر

توهین به طبقه کارگر به خاطر صدور این احکام واهی از کارگران ایران معذرت خواهی کند و به جای صدور زندان بر علیه کارگران به فریاد هزاران کارگر برسد که چندین ماه است حقوق دریافت نکرده اند. زنده باد همبستگی کارگران جمعی از کارگران ایران خودرو ۸۴/۸/۲۲ ikcokar@yahoo.com

### ما خواهان لغو احکام صادره علیه فعالین کارگری سقز هستیم!

کارگران، مردم مبارز ایران! اتحادیه های کارگری، نهادهای انسان دوست و مدافعان حقوق بشر! بر مبنای احکام صادره شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی شهر سقز پنج نفر از فعالین کارگری به دلیل شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در سال ۱۳۸۴ در شهرستان سقز به زندان محکوم شده اند. این احکام که در تاریخهای ۱۸ و ۲۱ آبانماه به این پنج نفر ابلاغ شده ، به استناد ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی صادر شده است. ضمناً در مورد اتهام وابستگی دستگیر شده گان به جریانات اپوزیسیون قرار منع تعقیب صادر گردیده است. بر مبنای احکام صادره ، آقای محمود صالحی ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهرستان قروه، آقای جلال حسینی ۳ سال زندان، آقای برهان دیوارگر ۲ سال زندان، آقای محمد عبدی پور ۲ سال زندان و آقای محسن حکیمی نیز ۲ سال زندان گرفته است. لازم به ذکر است که تا کنون چندین بار آقای برهان دیوارگر دبیر تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری برای پرونده دوم خود که به جرم فعالیت های کارگری در تاریخ ۱۶ مرداد دستگیر و ۴۰ روز زندانی شد به دادگاه فرخوانده شده و تا هم اکنون وکیل ایشان موفق به دیدن پرونده اش نشده است.

### در مقابل حکم ظالمانه دادگاه سقز از خود و رفقایم دفاع میکنم

کارگران و مردم آزادیخواه! اتحادیه های کارگری، نهادها و مراجع مدافع حقوق بشر!

همانطوری که اطلاع دارید ما ۵ نفر از کارگران و فعالین اول مه شهر سقز محمود صالحی ، جلال حسینی ، محمد عبدی، محسن حکیمی و خود من برهان دیوارگر به جرم شرکت در مراسم روز کارگر به زندانهای طویل المدت از ۲ تا ۵ سال محکوم شده ایم. و این احکام به دادگاه استان رفته است.

ما کاری جز دفاع از حقوق کارگری و انسانی خود نکرده ایم. این احکام مغایر با همه موازین حقوق بشر و حرمت و آزادیهای انسانی،

## سه کارگر به علت نشت گاز موناکسید کربن در جاده مخصوص کرج جانباختند

خبری از تهران حاکی است که ۳ کارگر یک شرکت صنعتی بر اثر نشت گاز موناکسید کربن در جاده مخصوص کرج جانانشان را از دست داده اند.

۳ کارگر با اسامی مهدی طهماسبی، محسن مقدم و علی روز گذشته در اتاق سرایداری یک شرکت صنعتی در جاده مخصوص کرج در حال استراحت بودند که بر اثر نشت گاز موناکسید کربن از بخاری اتاق دچار مسمومیت شده و متأسفانه هر ۳ نفر جانباختند.

## کارگران تونل رسالت هر چهار ماه یک بار حقوق می گیرند

پیمانکار تونل رسالت که توسط شهرداری تهران در حال ساخت می باشد ۴ ماه یکبار به پرسنل خود حقوق پرداخت می کند.

تعدادی از کارگران پیمانکار تونل رسالت در گفتگو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، تصریح کردند: با توجه به این که بیشتر کارگران متاهل و مستاجر هستند، پرداخت دیر هنگام حقوق موجب ایجاد مشکلات زیادی برای پرسنل پیمانکار تونل رسالت شده است.

این کارگران گفتند: پیمانکار حقوق تمامی پرسنل خود را ۴ ماه یکبار پرداخت می کند و حتی مهندسین که در این پروژه مشغول فعالیت هستند نیز از این امر مستثنی نیستند.

آنان گفتند: در زمان دکتر احمدی نژاد حقوق پرسنل شرکت پیمانکاری ۲ ماه یکبار پرداخت می شد و وضعیت بهتر بود اما از زمانی که وی به ریاست جمهوری راه یافت وضعیت پرداخت حقوق بدتر شد. این کارگران گفتند: ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر در تونل رسالت مشغول به کار هستند.

آنان گفتند: از دکتر قالیباف می خواهیم که به درد دل ما کارگران رسیدگی کرده و به ندای ما پاسخ مثبت دهد.

## تجمع اعتراضی کارگران در مقابل فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در عسلویه

شماری از کارگران شرکت توسعه سیلوها امروز دوشنبه ۱۶ آبان ماه در مقابل درب ورودی فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در شهرستان عسلویه تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شده اند.

مسئولین فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در حالی از ادامه فعالیت شرکت پیمانکاری توسعه سیلوها جلوگیری می کنند که کارگران این شرکت ۳ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی خواستار پرداخت حقوق و مزایایی معوقه خود شده اند.

گفتنی است که فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در منطقه عسلویه واقع شده و طی ماههای گذشته شاهد چندین تجمع اعتراضی کارگری بوده است.

## تجمع اعتراضی کارگران کارخانه "سعادت نساجان" یزد

شماری از کارگران کارخانه سعادت نساجان یزد در ادامه اعتراضات خود روز شنبه ۱۴ آبان ماه در مقابل دفتر امام جمعه یزد و نماینده خامنه ای در این استان که مسئولیت اداره کارخانه فوق را به عهده دارد تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۴۰۰ کارگر شرکت سعادت نساجان یزد از ۲ سال قبل بیکار شده و بیمه بیکاری آنان نیز پایان یافته است، در حال حاضر کارگران کارخانه یادشده خواستار بازگشت برسرکارهایشان هستند، ولی تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

کارگران کارخانه سعادت نساجان روز ۲۵ مهرماه نیز تجمع اعتراضی را در مقابل استانداری یزد برگزار کرده و خواستار بازگشت برسرکارهایشان شدند.

در حالیکه طی ماههای گذشته کارگران این واحد چندین حرکت اعتراضی را برگزار کرده اند، ولی مسئولین رژیم و کارفرمایان کارخانه سعادت نساجان از رسیدگی به مشکلات آنان خودداری می کنند.

است. من خواستار لغو این احکام هستم. من خواستار اعاده حقوق انسانی همه کارگران هستم. من خواستار برسمیت شناختن حقوق و آزادی و حرمت انسانی تک تک شهروندان مملکت هستیم. محکومیت ما به معنی محکوم کردن همه انسانهایی است که برای آزادی و حقوق انسانی مردم تلاش میکنند.

همین جا از همه همسرانشان خود در جامعه کارگری ایران و از تشکلهای کارگری و سندیکاها و مجامع عمومی کارگری می خواهم که این حکم ناعادلانه را محکوم کنند. بر مردم شرافتمند و آزادیخواه است که در مقابل این زورگویی و ستم، از ما حمایت کنند.

از همه درخواست میکنم که در مقابل زورگوییهای سرمایه داران و حق کشیهایشان از کارگران حمایت بیدریغ به عمل آورده شود. شخصا در این راه در دفاع از خود و دوستان دیگرم از هیچ کوششی دریغ نخواهم کرد و تمام تلاش خود را در دفاع از آنها بعمل خواهم آورد. پرونده همه ما یکی است. جرم ما شرکت در مراسم روز کارگر در



سال ۱۳۸۳ است.

من برای دفاع از حقوق انسانی مان و برای لغو احکام ظالمانه دادگاه شهرستان سقز علیه خود و رفقایم، از هیچ تلاشی دریغ نخواهم کرد و همه توانم را برای جلب حمایت طبقه کارگر بین المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر به کار خواهم انداخت. از تمام فعالین کارگری ایران، از مردم شرافتمند در همه شهرها، از تمام اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسانی که در همین مدتی پیش برای آزادی من کوشیدند در خواست میکنم که در مقابل این زورگویی آشکار از ما ۵ نفر و حق ما در دفاع از حقوق کارگران حمایت کنند.

برهان دیوارگر

دبیر تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری

## گزارش : پروژه ناامن ، گزارشی از ایمنی محیط کار در پتروشیمی کرمانشاه جوانمیر مرادی

بیمه تامین اجتماعی و تامین درمانی نیستند، این کارگران از نظر امکانات رفاهی محیط کار (مانند غذاخوری، رخت کن ، سرویس ایاب و ذهاب، سرویس بهداشتی و لباس کار و کفش ایمنی مناسب ) کاملاً بی بهره اند و این دایه های نافرزندی کش می کوشند قباحث اشک ریختن بچه هائی که پدرانشان را به علت نبود ایمنی در پروژه از دست داده اند با لعاب قهقهه های ظفرمند خودشان بیوشانند و پز بدهند و به یکدیگر تبریک بگویند و هر چند یک بار فیلمی از روند کار را تهیه و نمایش دهند و به آن افتخار کنند، ولی هیچ وقت کمترین اشاره ای نمی کنند به میل گردهائی که اکنون بناها را سر پا نگه داشته اند چگونه بندیلی از آن هنگام جابجائی با جرثقیل بر روی علی محمد حیدریان زاده افتاد و جانش را گرفت! یا برجها و اسکلتها و تاسیساتی که سر به آسمان کشیده اند پیمان نامداری هنگام بستن داربست دورشان پرت شد و جسدش تا به زمین رسید پاره شد ویا نادر عادلپور را روانه بیمارستان کردند تا اینگونه قوام گیرند و هیچ به روی مبارک نمی آورند بگویند خانواده های آنان از این همه رفاه که قرار بود این پروژه با خود بیاورد چی نصیبشان شد؟! و هیچ وقت مسولیت جانباختن عزیزان آنها را به عهده نمی گیرند.

جالب اینست که بیمه حوادث در بسیاری از کشورهای غربی شامل اشیاء و اجسام و به طور کلی اموال می شود که اگر مالی به هر دلیل دچار حادثه شد معادل قیمتش خسارت از سوی شرکت بیمه گر پرداخت شود و یا مشابه آنرا با همان کیفیت و کارایی جایگزین کند، در مورد اموال این نوع بیمه می تواند جوابگو باشد، چون با جایگزین کردن مورد سالم با خسارت دیده به همان اندازه قبلی می توان از مورد جایگزین شده کار گرفت و مشکلی احساس نشود، ولی آیا در مورد انسان که موجودی زنده و دارای ویژگیهای منحصر است می توان اینگونه جبران خسارت کرد؟ آیا میشود در ازاء دیه ایی که به خانواده کارگر متوفی پرداخت می شود انسان کارگر دیگری را خریداری و جایگزین کرد؟ آیا عواطف و علائق و وابستگیهای انسانی که در اثر از دست دادن عزیزی دچار آسیب شدید میشود ممکن است با مبلغ ناچیز دیه بازسازی کرد؟ آیا خانواده ای که نان آورش را از دست داده می تواند با مبلغ دیه نان آور دیگری بخرد تا به عنوان

کشیده، این موارد بدون شک اتفاق نبوده و به راحتی قابل پیشگیری بوده اند اگر دلسوزان قلبی رفاه و آسایش خانواده های کارگری از درصد اندکی از سودشان چشم پوشی می کردند. آنها انسانهایی بودند که به خاطر تداوم زندگی بخور و نمیر خانواده هایشان به شرایط مرگبار کار در پتروشیمی کرمانشاه تن دادند و دچار حوادث شدند. پرروئی بیش از حد می خواهد که در مقابل این انسانها قرار گرفت و مدعی شد که این صنعت به خاطر کاهش فقر احداث می شود، این نوع ادعا فقط از زبان موجودات سودجو و ضد انسان می تواند جاری شود که با دروغ و عوامفریبی راه رسیدن به سودهای کلان را بر خود هموار می کنند و از اعمال ضد بشریشان اباعی ندارند. کارگرانی که جانشان را از دست دادند چه بر سر خانواده هایشان آمد؟ آیا این منجیان رفاه حتی یک بار هم به مخشان فشار آوردند که خانواده های داغیده و آسیب دیده به چه طریق امرار معاش می کنند؟ این انسانهایی که قربانیان حرص و آز سرمایه داران شده اند در ادبیات اینارگرانه و انساندوستانه نظام سرمایه داری نمونه هائی از خوشبختی و آسایش و رفح بیکاری و ایجاد رفاه تفسیر می شود. با هر حادثه ای اعضای خانواده ای از آنچه که قبلاً داشتند نیز محروم می گردند و بدون هیچ امید و تکیه گاهی به قعر فلاکت و به دست ظالمانه ترین تندبادهای ناهنجاریهای موجود در جامعه رها می شوند، این انسانها به وضوح عیان است که در زمره آدمهائی که قرار است از نعمات کارخانه پتروشیمی بهره مند شوند نیستند بلکه اینها قربانیانی هستند که باید در راه رسیدن سرمایه داران به سود بیشتر در قربانگاه سرمایه ذبح شوند جنابان سرمایه دار و نمایندگانشان درست می فرمایند که احداث چنین کارخانه ای برای توسعه است، اما نه توسعه رفاه و آسایش برای آدمهائی که مجبورند به خاطر ادامه زندگی بخور و نمیرشان تن به هر شرایط غیر انسانی بدهند و کار کنند، بلکه توسعه شرایط سودآورتر است . تا حدی که حتی قوانین کاری که کاملاً در خدمت منافع خودشان هست و خودشان آنرا تدوین کرده اند را نقض می کنند. هم اکنون در همه پروژه ها و از جمله پتروشیمی کرمانشاه بیشتر کارگران به صورت روزمزد، با قرارداد یک ماهه و نهایتاً قرارداد دو ماه و بیست و نه روزه کار می کنند که مشمول

پتروشیمی کرمانشاه به یمن سودپرستی کارفرما و پیمانکارانش به میدان قتل و نقصان کارگران تبدیل شده، هیچ کارگری بعد از ورود به محوطه مجتمع از سالم برگشتنش مطمئن نیست کارگران علاوه بر تحمل فشار روحی و خستگی ناشی از ساعات طولانی کار، اضطراب ناشی از ناامنی محیط کار که هر لحظه ممکن است این شرایط خطرناک هر یک از آنان را از بین ببرد و یا دچار نقص عضو کند را نیز متحمل می شوند که نه تنها خود کارگران را فرسوده تر کرده بلکه خانواده هایشان را نیز در وحشت متداوم فروبرده و همواره بعد از آنکه نان آورانشان خانه را به قصد کار در مجتمع ترک می کنند دلواپس در انتظار بازگشتشان به خانه لحظه به لحظه سایش گذر زمان بر ذهن و روحشان را تجربه می کنند و با هر زنگ تلفن یا زنگ در خانه ته دلشان خالی می شود و رعد سردی یخ ناگهان بر پشتشان تازیبانه می کشد که مبادا پیک بد شگون از حادثه ای ناگوار از عزیزانشان خبر آورده باشد.

>> ما قصد آباد کردن منطقه شما را داریم، می خواهیم فقر و بیکاری را کم کنیم، باید ممنون باشید!<< این جوابی است که صاحبان سرمایه با ژست از خودگذشتگی و نگاهی از روی دلسوزی و لطفی که نسبت به کارگران تحت استثمار منطقه دارند به کارگران معترض و خانواده های آسیب دیده ناشی از همان شرایط خطرناک و غیر انسانی ای که جنابان سرمایه دار به خاطر هزینه نکردن درصد کمی از سرمایه شان در زمینه ایجاد ایمنی محیط کار می دهند، آقایان نگران بیکاری کارگران منطقه هستند، دنبال سود نیستند، به همین خاطر نمی خواهند به خاطر ایمنی پول هدر دهند! این جنابان خوب می دانند که می شود اینگونه هزینه ها را به پای خود کارگران گذاشت، کارگر آماده به کار فراوان است و می شود با جایگزین کردن کارگر سالم و تازه نفس با کارگر فوت شده یا دچار نقص عضو شده روند کار را بدون خلل و وقفه پیش ببرند، بنابراین معادل هزینه تامین ایمنی را به سود خالص خود می افزایند. این صنعت که طبق اظهارات صاحبانش قرار بود آبادانی به ارمغان بیاورد بیکاری و فقر کاهش دهد علاوه بر استثمار شدید وعنان گسیخته، فقط به خاطر نبود ایمنی در محیط کار تعدادی را ناقص و از کار افتاده کرده و چند نفر را هم به کام مرگ

## دو اطلاعیه از انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در باره کارگران اعتصابی نساجی کردستان

مبارزه شما برای رسیدن به مطالباتتان هر چه بیشتر دارد حقانیت خود را بر همه کارگران ایران به نمایش می گذارد شما کارگران مبارز با قدرت اتحاد، همکاریتان فرسید بهشتی زاد را آزاد کردید و ثابت کردید که به دلیل برحق بودن خواسته هایتان مدیریت کارخانه و اطلاعات را به پذیرش بعضی از مطالباتتان و اداری کردید ما ضمن اعتراض به بازداشت نمایندگان کارگران به شما به خصوص به خاطر مبارزه تان برای آزادی فرسید تبریک می گوئیم و حمایت خود را از شما اعلام می داریم .  
کرمانشاه ۱۳۸۴/۸/۱۲



رسیدگی به مطالبات کارگران نساج کردستان از جمله پرداخت حقوق معوقه و باز گرداندن ۱۸ میلیون تومان سرمایه کارگران به تعاونی اعتبار که از سوی مدیر عامل شرکت دزدیده شده است روز ۳۰ مهر ماه با یورش نیروهای اطلاعاتی و انتظامی به این کارخانه و به راه انداختن دستگاههای کارخانه به قصد شکستن اعتصاب و بی حرمتی و توجه نکردن به خواست کارگران جواب داده شد. این عدم توجه به مطالبات کارگران و تحقیر آنان از نظر هیچ انسان شرافتمندی قابل تحمل نیست.

ما این عمل نیروهای اطلاعاتی و انتظامی را محکوم می کنیم و خواهان بر آورده شدن مطالبات کارگران نساجی کردستان هستیم. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

زمانبندی پیشین بخشی یا کل کارخانه به سود دهی نمی رسد بنابراین نمی تواند نسبت به سالم رسیدن دستگاه و نسب سالم و به موقع آن بی خیال باشد آن طور که نسبت به حفظ سلامت کارگر بی خیال است!

سیستم ایمنی در پتروشیمی کرمانشاه فقط برای به جا آوردن تشریفات هنگام وقوع حادثه یا رژه رفتن در مقابل بازدید کنندگان رده بالا انجام وظیفه می کند. افراد تشکیل دهنده بخش ایمنی حتی برای حفاظت از خودشان هم آگاهی از خطرات محیط کار و چگونگی مقابله با آن را ندارند، کارفرما و پیمانکاران به خاطر صرفه جوئی افراد با تجربه و دوره دیده در زمینه ایمنی استخدام نمی کنند، مامور ایمنی در آنجا با به سر گذاشتن کلاه زرد خلاصه میشود، جالب است بدانید که کلاه ماموران حفظ ایمنی به علت عدم آگاهی از موانع در محیط و برخورد با کلاه، کلاه های زرد ایمنی از ریختن افتاده و آثار تصادم با اشیاء سخت بر رویشان معلوم است. اکثر کارگران ایمنی یا برای اولین بار است که پروژه و یا حتی کار به طور کلی تجربه می کنند و یا دارای سوابقی بسیار کوتاه می باشند. این کارگران ایمنی بعد از حوادث زیادی که در کارخانه بوجود آمده و کارفرمایانشان احساس کرده اند که ممکن است از سوی سازمانهای مرتبط با ایمنی و تشکلهای کارگری تحت فشار قرار گیرند به پیشنهاد کارفرماها ظاهراً به خود آمده اند و شروع به تحرک کرده اند اما این بیچاره ها دچار سرگیجه شده اند چون به خیال خودشان روی مسئله ایمنی جدیت به خرج می دهند و هر کارگری که کلاه ایمنی به سر نداشته باشد را جریمه می کنند اما همیشه شاهد حوادث هستند و نمی دانند چرا باز هم مشکل باقی است، فکر می کنند که حادثه فقط با داشتن کلاه ایمنی بر سر، خنثی می شود زیرا بیشتر از این از شناسائی خطر و مقابله با آن آگاهی ندارند .

جوانمیر مرادی ۱۳۸۴/۸/۱۲

لطفا اخبار و اطلاعات خود را به آدرس زیر E-Mail کنید

khbabnameh.karegari@gmx.de

نان آورشان بقیه عمر در خدمتشان باشد؟ و یا کارگری که در حین کار عضوی را از دست می دهد آیا می تواند عضوی با همان کارایی و به شکل طبیعی جایگزین کند و زندگی را به روال گذشته اداره کند؟ پس با اندکی تعمق می توان دریافت که بیمه حوادث را نمی شود در مورد انسان به مثابه جبران خسارت تلقی کرد جبران خسارت در مورد انسان تنها می تواند در قالب بیمه تامین اجتماعی و به طور مادام العمر معنا یابد که در صورت وقوع حادثه کارگرتواند زندگی خودش و خانواده اش را بدون دغدغه و با نرم عادی تامین کند. از سوی دیگر بیمه حوادث به این معناست که کارفرما فقط زمان وقوع حادثه تعهد دارد که کارگر آسیب دیده را به مرکز درمان برساند و بعد از آن وظیفه شرکت بیمه گر است که کارشناس به محل حادثه بفرستد تا تعیین خسارت کند و دیه میزان آسیب دیدگی را بپردازد که آن هم مستلزم طی روال طولانی و خسته کننده ای هست از جمله باید ثابت شود که قصور از جانب کارگر نبوده که این خود معضل بسیار پیچیده ای است چون به ندرت پیش می آید که در چنین مواردی کارفرما مقصر شناخته شود و معمولاً کارگر، خاطی تشخیص داده می شود، نه بدان معنا که در مقابل تامین زندگی او و خانواده اش بعد از حادثه تعهد داشته باشد. این نوع بیمه حتی نسبت به تامین درمان و صدور دفترچه خدمات درمانی کارگر مسولیتی ندارد سوابق کار او به عنوان سوابق پرداخت بیمه برای استفاده از بیمه بیکاری و یا بازنشستگی به حساب نمی آید، به عبارتی کارگر کالای یکبار مصرفی است که بعد از فوت یا نقص عضو برای سرمایه دار ارزش به کار گیری مجدد ندارد و از سویی مسولیتی متوجهش نیست که کارگر آسیب دیده یا خانواده اش بعد از وقوع حادثه چگونه ادامه حیات دهد، بنابراین نمی خواهد وقت را هدر دهد و مجاز است از بین میلیونها کارگر بیکار که همیشه تعداد زیادی از آنها پشت در کارخانه در انتظار کار هستند فرد مورد نیازش را جایگزین کند. در حالیکه در مورد جایگزین کردن ماشین آلات سرمایه دار به راحتی و به فوریتی که می تواند کارگر را جایگزین کند دستش باز نیست هر چند از نظر دریافت جبران خسارت در قبال ماشین آلات آسیب دیده اش از شرکت بیمه گر نگرانی ای ندارد ولی مشابه دستگاه در دسترس و پشت در کارخانه همان جائیکه دهها کارگر بیکار منتظر هستند، نیست تا بدون فوت وقت جایگزین کند و به این خاطر از نظر روند عادی پیشرفت کار وقفه بوجود می آید که در نتیجه متضرر میشود چون به موقع براساس

## دیدگاه : پاسخ طبقه کارگر به این توحش و بردگی محض چیست مظفر محمدی

و به تنهایی خاتمه داد. کارگران هر بخش در هر اعتراض و مبارزه خود باید دست به دامان کارگران بخشهای بغل دستی خود شوند. کارگران و فعالین کارگری باید یخه همدیگر را بچسبند و ول نکنند. فلاکت پایانی ندارد و با روی کارآمدن يك دولت پلیسی و سرکوبگر تمام عیار هیچ امیدی به بهبود اوضاع نمیرود.

تنها با متحد شدن وسیعتر کارگران و فراتر از هر فابریک و حتی شهر و اعتصابات کارگری در حمایت از همدیگر میتوان کمر رژیم ضد کارگر و ضد انسان و انسانیت و مدنیت را خم کرد. اعتصابات سراسری و سیاسی کارگران میتوانند و باید به داد این وضعیت برسند و به این اوضاع خاتمه دهد. طبقه کارگر باید به ناجی خود و کل جامعه و مردم تبدیل گردد. هر کارخانه و یا هر بخش طبقه کارگر به تنهایی حتی ناتوان از گرفتن حقوقهای معوقه اش است. ناتوان از ممانعت از قراردادهای موقت و اخراج دائمی است و ناتوان از ممانعت از بی حرمتی و تحقیری است که روزمره به این طبقه صاحب اصلی جامعه تحمیل میشود.

پاسخ کسانی که کارگر را به خاطر مبارزه و اعتصاب شلاق میزنند و به باد ناسزا و فحش میگیرند و شبانه از دیوار خانه فعالین و نمایندگان کارگران بالا میروند و در مقابل چشمان بهت زده و مرعوب همسر و کودکانشان دستگیر میکنند و تهدید و شکنجه میکنند، اعتصاب هر گروه و بخش کارگر برای خودش نیست. متفرق بودن کارگران نقطه ضعف اصلی ما در مقابل دشمن کاملا منسجم و متحد است. آنها همه دست به دست هم داده اند از وزیر و وکیل و پاسدار و اطلاعات و نیروی انتظامی و دادگاه و زندان و اداره کار و حراست و استانداری و فرمانداریها و امام جمعه ها ... همه و همه مشغولند تا کارگران و مردم را در مقابل فلاکت و تحقیر و سرکوب ساکت نگه دارند. پس زدن این موج حمله مداوم تنها با اتحاد سراسری مراکز بزرگ کارگری از شرکت نفت و ذوب آهن و ماشین سازیها و پالایشگاهها و تا کارگران شهرداریها و حمل و نقل و نانواييها ... ممکن است.

باید به دشمن نشان داد، باید به بورژوازی و دولتشان نشان داد که صاحب اصلی جامعه کیست؟ اگر کارگر شهرداری کار نکند زباله از سر و کول اگیان و اعوان و انصار

این سرنوشت و تلخ تر از آن هم سرنوشت اکثریت عظیم طبقه کارگر شاغل و بیکار در سراسر ایران است

از قزوین تا سنندج و تهران و تبریز تا جنوب و شمال کشور همه جا همینطور است. اما متأسفانه طبقه کارگر در مقابل این موج تعرض به سطح معیشتش متحد نیست و در مقابل خفقان و سرکوب سیاسی تحمیل شده به جامعه، ساکت است. کارگر ظاهراً دستش به کلاه خودش است، در حالی که کلاهی برای کسی باقی نمانده است، از کارگر و فرهنگی و دانشجو و کارمند و جوان و زن همه يك سرنوشت دارند: توحش سیاسی و فلاکت اقتصادی.

هر فابریک و کارخانه به تنهایی با این شرایط فلاکت بار دست و پنجه نرم میکند اما راه به جایی نمیرسد. کارگران شاهو و نساجی کردستان همچنان کارگران نساجیهای قزوین و شمال و کارگران ماشین سازیها و شرکت واحد و ... تنها و منفرد و متفرق، اعتراض میکنند، اعتصاب میکنند، راه پیمایی میکنند و تجمع راه میاندازند و هر دوره اعتصاب هفته ها و ماهها طول میکشد و بر اثر آن هم گرسنگی تشدید میشود و هم کمر کارگران یکی یکی خم میگردد.

تازه موج جدید حمله به دستاوردهای مردم شروع شده است. دختر جوانی به اسم آزاده را به جرم بدحجابی دم در دانشگاه کشتند، نمایندگان کارگران متحصن را بارها بازداشت و کتک کاری کرده اند، کارگران سقز را به جرم برگذاری اول ماه مه به حکمهای سنگین محکوم میکنند، دستگیر شدگان اعتراضات کردستان را یکی یکی دارند حکم می دهند، در دانشگاهها دختر و پسرها را از هم جدا می کنند، کارتن خوابهای خیابانهای تهران را با اردنگ اینور وانور میکنند، برای تحویل جنازه دختر جوانی که بر اثر بی پولی خانواده اش در بیمارستان مرده از خانواده اش پول میخواهند!!...

تعرض تنها به کارگر محدود نشده است. حرمتی برای کسی نگذاشته اند. جنبشهای اجتماعی کارگر و دانشجو فرهنگی و پرستار و جوان و زنان را یکی یکی و تنها به زانو در میاورند و سرکوب و مرعوب میکنند. با مبارزات پراکنده و این و آن فابریک و بخش کارگری نه معیشتی تامین میشود و نه حرمتی محفوظ نگه داشته میشود.

باید به این پروسه دردناک هر که برای خودش

کارگر را در عوض کاری که کرده و مزدی که نگرفته و طلب میکند، شلاق و کتک میزنند و تحقیر میکنند. دختر دانشجو را دم در دانشگاه به بهانه بدحجابی میکشند، پاسخ طبقه کارگر به این توحش و بردگی مطلق چیست؟

همین دیروز بیش از هزار کارگر چند شرکت صنایع نساجی و رشکست شده استان قزوین، در برابر ساختمان مجلس شورای اسلامی، تظاهرات کردند. کارگران فریاد زند را ضی به مرگ هستیم، جانمان را بگیرند.

این کارگران دست کم هشت ماه است حقوق نگرفته اند، ناهار آنها قطع شده، سرویس ایاب و ذهاب ندارند، از لباس کار نیز محروم هستند، ماههاست حقوق نگرفته اند، و حتی در فضای کارخانه، از سرمای شدید در رنج هستند. مدیریت کارخانه نیز آنها را به باد کتک می گیرد و شنیدن ناسزا و فحش، بخشی دائم از زندگی روزمره آنها در محل کار است.

این اعترافات را خبرگزاری حکومتی ایلنا امروز منتشر کرده است. این کارخانه ها، در سالهای اخیر با عنوان خصوصی سازی، به دست اعوان و انصار مقامات رژیم اسلامی افتاده اند، و آنها بیگاری و بردگی از کارگران را شدت بخشیده اند.

خبرگزاری ایلنا همچنین اعتراف کرد که پولهای کارگران در صندوقهای قرض الحسنه تعاونی های مسکن و مصرف نیز توسط مدیران، کارفرمای جدید، برداشت و مصرف شده است. این خبر را در کنار آخرین اخبار کار و زندگی و مبارزه بخشهای دیگر کارگران بگذارید. کارگران شاهو در سنندج بیش از ۱۰ ماه است حقوق نگرفته اند. کارگران کارخانجات نساجی کردستان نزدیک به دو ماه است در اعتصاب بسر میبرند. آنها با فشار پلیس و توطئه های کارفرما و گرسنگی و خستگی دست و پنجه نرم میکنند. کارفرما به جای تامین حقوق کارگران خسارت دوران تعطیلی کارخانه را از کارگران میطلبد! کارفرمایی که کارگران را مجبور کرده است به خاطر گرفتن ابتدایی ترین حقوقشان و برای مداوی بیماریهای ربوی و شنوایی شان که به دلیل محیط آلوده و غیربهداشتی کار به آن مبتلا شده اند و برای رهایی از مرگ تدریجی دست به اعتصاب بزنند، اکنون خواستار خسارت است! توحش و برده داری و بیشرمی از این بالاتر؟!

و تولید و توزیع گردآورده است. هیچ قشر و طبقه و گروه اجتماعی به اندازه طبقه کارگر سازمانیافته و بهم بافته و جمع و جور نیست.

مجامع عمومی کارگری، تشکل پایه و اتحاد شکوهمند و قدرتمند کارگران را در هر محل کار از کوچک تا بزرگ تامین کرده و میکند. نمایندگان منتخب مجامع عمومی و فعالان و رهبران کارگری پیکهای وحدت و انسجام و همبستگی کارگری در میان کارخانه ها و شرکتها و کل طبقه کارگر در سطح سراسری خواهند بود. این کار نیاز به پروسه طولانی ندارد. این کاری بسیار ممکن و ساده و عملی و یک داده و تجربه شده است. این کار میتواند همین امروز شروع شود. یک روز تعجیل در این کار یعنی یک روز زودتر پایان فلاکت، تحقیر و بردگی، یعنی یک روز زودتر پایان سرکوب و شکنجه و زندان و خفقان و یک روز زودتر بدست آوردن آزادی و برابری...

طبقه کارگر یا این کار را میکند و به ناجی جامعه تبدیل میشود، یا خودش و همراه کلیت جامعه زیر دست و پای اسلامیهستهای جدید، فدرالیستها و بورژوازی پوست انداخته رنگارنگ له خواهد شد و نسل بعد از نسل دیگر بردگان مزدی و زنان و مردان اسیر تبعیض و نابرابری، سرنوشت امروز ما را خواهند داشت.

۲۰ آبان ۸۴ (۱۱ نوامبر ۲۰۰۵)

mozafar.mohamadi@gmail.com

نگاهی ... بقیه از صفحه ۲۰

پروژههای مختلف را در عمل محک بزنند. امروز مهلکترین خطر، شقه شقه کردن جنبش بر اساس معیارهای ایدئولوژیک است. چنین اقدامی در همین گامهای نخست، آن را از نفس خواهد انداخت و فاجعه شکست جنبش کارگران در سالهای ۵۸-۵۹ دوباره تکرار خواهد شد.

من سخن را در اینجا کوتاه میکنم چرا که هدف من از این مقاله، تنها گشایش بحث بر سر ضرورت جبهه واحد کارگری در شرایط امروز جنبش است و امیدوارم که با برخورد دوستان و رفقای دست اندر کار بتوانیم به موشکافی بیشتر این مسئله پرداخته و به سهم خود به پویائی و توان جنبش کارگری و سوسیالیستی یاری رسانیم.

پاریس - آبان ۸۴ (۱۳ نوامبر ۲۰۰۵)

که امروز سر کارگران شاهو و نساجیها از کردستان تا قزوین و شمال و همه جای کشور آورده اند تنها بلایی برای این بخش کارگری نیست، بلکه تعرض و توهین و سرکوب کل طبقه ما است. درد طبقه کارگر مشترک است. این درد بردگی مزدی است. و راه رهایی طبقه کارگر هم مشترک است. اعتصابات سراسری و بهم پیوسته و اتحاد سراسری طبقه کارگر، نه تنها برای تعیین سرنوشت خود و پایان بیحقوقی اش بلکه برای تعیین سرنوشت کل جامعه تعیین کننده است.

غولهای خفته کارگری در شرکت نفت و مراکز کلیدی کار باید بیدار شوند. بی تفاوتی طبقه کارگر به سرنوشت هم طبقه ایهایش در این و آن بخش و فابریک و محل کار باید خاتمه یابد. تعرض به هر تگ کارگر تعرض به کل طبقه ما است. تحقیر هر تگ کارگری، اخراج هر تگ کارگر و دستگیری هر تگ کارگری امر همه طبقه کارگر است. بردگان مزدی ناجیان خود و بشریتند، چرا که نبض جامعه تنها با کار آنها میزند. بدون کار کارگر جامعه میمیرد. با سر برآوردن طبقه ما و رهبری سیاسی جامعه، سرمایه داری میمیرد و جامعه میشکند. ما چشم به دنیای آزاد و برابر دوختیم. با چشمان باز به این آینده شکوهمند و رهایی و خوشحالی بنگریم. و همزمان خودمان را برای نبردی سرنوشت ساز با جمهوری اسلامی مسبب این تبعیض و بیحقوقی و تحقیر و این فلاکت و گرسنگی و نابرابری، آماده کنیم.

آینده ایران را اگر طبقه کارگر رقم بزند دیگر نه خبری از حقوقهای معوقه و فلاکت و تحقیر خواهد بود، نه خبری از پاشیدن مدنیت جامعه توسط فدرالیستها و قومپرستها و نه آثاری از بردگی مزدی باقی خواهد ماند. جامعه آزاد و برابر ارمغان انقلاب کارگری و کمونیستی برای بشریت متمدن نه تنها در یک کشور، در ایران، بلکه طلیعه نوین عروج سوسیالیسم در جهان معاصر خواهد بود.

طبقه کارگر ایران در مقابل این سوال بزرگ و این انتخاب شکوهمند قرار دارد. این کار این و آن صنف و این و آن فابریک و حتی این و آن اتحادیه و سندیکای صنفی نیست. این کار سندیکالیسم نیست. این کار طبقه متحد و متشکل کارگر در بعد سراسری و کشوری است. این کار کارگران مراکز حیاتی و کلیدی مانند نفت و ماشین سازیها و سوخت و آب و برق و خدمات و حمل و نقل و شهرداریها و نانواپیهها و ... است.

کارگر برای این اتحاد و خیزش سازمانش را دارد. سرمایه داری طبقه کارگر را در گردانههای متعدد و زیر سقفهای کارخانه ها و شرکتها و معادن و در بخشهای خدمات

مفتخورشان بالا میروند. اگر شرکت واحد بایستد و اگر کارگر شهرداری کار نکند شهر برق و آب و گرما ندارد. شهر میمیرد. اگر کارگر نفت تنها یک روز اعتصاب کند و شیرهای نفت را ببندد شاهرگ حیات ننگین این دزدان و مفتخوران را که از این سرمایه بی انتها تغذیه میکنند از نفس میاندازد. باید به این جانین نشان داد که قدرت جامعه کجا خفته است. این قدرت را کسی عهده دار نخواهد شد.

این اتحاد سراسری در کوتاه ترین مدت مساله دستمزد و حقوقهای معوقه و آزادی تشکل اعتصاب را حل خواهد کرد کاری که اعتصابات هر چند وسیع و گسترده و همیشگی اما متفرق و هر بخش و شرکت و کارخانه برای خودش جواب نداده است و نمیدهد.

به میدان آمدن طبقه کارگر متحد و یکپارچه نه تنها تعرض بی افسار سرمایه و دولت را به سطح معیشت کارگر مهار میکند و حقوقش را از گلویش بیرون میکشد بلکه نقطه قدرت، امید و جهشی هم خواهد بود برای جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه کلیت انسانهای جامعه. این ابراز وجود قدرتمند و متحدانه، طبقه کارگر را به ناجی خود و کل جامعه از خطر فلاکت بیشتر و از خطر فروپاشی مدنیت جامعه ... تبدیل میکند.

طبقه کارگر نیروی اصلی جنبش سرنگونی و رهایی جامعه است. طبقه کارگر متحد، صاحب اصلی جامعه و مبشر آزادی و برابری برای همه، برای زنان، جوانان، و همه آحاد جامعه است.

طبقه کارگر یکپارچه و متحد را تنها فعالین و رهبرانی تامین و تضمین میکنند که فراتر از محل کار و فابریک و حتی شهر خود را میبینند، چشم به مراکز کلیدی کار میدوزند و سراغش میروند و دستها از همه سوی به طرف هم دراز میشود. خودمشغولی در این و آن صنف کارگر برای حل مشکلات صنفی و محلی و فابریکی تا کنون نشان داده که دیگر کارساز نیست. حل این مشکلات و خاتمه آنها به این گره خورده است که کارگران مراکز کلیدی و بزرگ چشمانشان را باز کنند و سرهایشان را بلند کنند و کلیت طبقه شان را ببینند و کلیت جامعه را ببینند و همه به هم کار داشته باشند. و همه نیاز به هم را درک کنند و نیاز جامعه را درک کنند و به آن جواب بدهند.

طبقه کارگر به مثابه طبقه قدرتمند و صاحب جامعه باید ظاهر شود نه به مثابه کارگر منفرد و یا کارخانه و فابریک منفرد. طبقه کارگر منفرد و متفرق برده ای بیش نیست و هر بلایی میتواند سرش بیاورد. بلایی

## دیدگاه: نگاهی به مسائل جنبش کارگری ایران و ضرورت جبهه واحد کارگری بهر روز فراهانی

با دیگر بخشهای سرمایه داری جهانی نداشته و تنها خواستار هر چه ارزانتر کردن کار است. این معنایی جز تعرض هر چه بیشتر و پردامنه تر به حقوق و مزایای حقوق بگیران ایرانی ندارد.

با توجه به خانه خرابی و فقر گسترده ای که حتی خود آمار دولتی هم آن را نشان میدهند، این تعرض، معنایی جز بازپس زدن درآمد کارگران و حقوق بگیران به حداقلهای ممکن ندارد. مارکس در بررسی دستمزد خاطر نشان میکند که دستمزد از دو بخش تشکیل شده؛ یکی حداقلی که برای تامین بقای نسل، یعنی زنده ماندن کارگر و خانواده اش لازم است یعنی حداقل فیزیکی و یکی بخش تاریخی-اجتماعی آن که با توجه به سطح تمدن و زندگی و توازن قوای کارگران و سرمایه داران در هر کشور و مقطع زمانی معین تعیین میشود. اگر حداقل فیزیکی از حد معینی نمیتواند پایینتر آورده شود، این بخش دوم میتواند بکلی از بین برود و به صفر برسد. تنها و تنها مقاومت کارگران و نهادهای کارگری است که میتواند در حفظ و بالا بردن این بخش دوم موثر باشد.

اگر از این زاویه به جنبش کارگری ایران نگاه کنیم، متوجه میشویم که مبارزه کارگران ایران به حد دفاع از حداقل لازم برای بقاء تنزل پیدا کرده است. بخش اعظم مبارزات کارگری برای کسب حقوقهای پرداخت نشده و پادشاهای معوقه و بخصوص جلوگیری از تعطیل کامل واحدهای تولیدی است. در چنین شرایطی چندان عجیب نیست که ما گاه به گاه خبر خودکشی یک کارگر بیکار و خانواده اش را میشنویم. این جهمی است که دولت مذهبی و سرمایه داران ایران، ضمن دادن وعده بهشت، برای کارگران و حقوق بگیران جزء ایرانی درست کرده اند.

این وضعیت، یعنی تعرض به حداقل درآمد تا حد تنزل کامل آن به حداقل فیزیکی، آن سوختی است که موتور جنبش اعتراضی-اقتصادی کارگران و حقوق بگیران ایران را به حرکت درآورده و علیرغم ارباب و سرکوب رژیم، روشن نگاه داشته است. مبارزه ای که عمدتاً خصلت دفاعی داشته است.

از آنجا که چه دولت جمهوری اسلامی، چه سرمایه داران بخش خصوصی، و چه اپوزیسیون جمهوریخواه بورژوائی، هر سه در ادامه نظم سرمایه داری توافق دارند و سرمایه واقعا موجود و نه سرمایه داری

مربوط میشود، جسارت نشان میداد. سیاستهای نوع تاجر حتی در دولت خاتمی بیشتر و شدید تر از دوران رفستجانی هم بود تا حدی که مسئله خصوصی کردن صنعت نفت و حداقل بخشهایی از آن، آشکارا مطرح شد. طبیعتاً همزمان با این سیاستهای اقتصادی، "رفرم" و فشار به حیطه قانون هم کشیده شد و یورش همه جانبه ای برای تغییر قانون کاری که پانزده سال پیش توسط خود همین رژیم ساخته و پرداخته شده بود وزیر فشا ر کارگران در آن امتیازاتی، ولو اندک، به حقوق بگیران ایرانی داده شده بود، نیز سازمان داده شد، چرا که حتی این امتیازات ناچیز در زمینه بیمه های اجتماعی، از نظر کارفرمایان دولتی و خصوصی دست و پا گیر و مانع انباشت هر چه بیشتر و سریعتر ارزش اضافی میشدند. کافست که در این مورد کمی به آه و ناله های روسای اتاقهای بازرگانی گوش کنیم تا متوجه درجه سببیت سرمایه داران "خودی" بشویم: دکتر مهدی بهکیش رئیس اتاق بازرگانی ایران - ایتالیا میگوید "من در مذاکره با طرفهای خارجی، همواره با این انتقاد که قوانین کار جمهوری اسلامی بسیار سخت و محدود کننده است روبرو می شدم و میدیدم که خارجیا به لحاظ قانون کار ما، در ایران سرمایه گذاری نمی کنند. اتفاقاً یکی از شرایط پیوستن ما به سازمان جهانی تجارت، بازرگاری در قوانین کار داخلیست ولی ما شاهدیم که وقتی بحث اصلاح قانون کار در مجلس شورای اسلامی مطرح میشود، به لحاظ تقدسی که این قانون در سالهای متمادی به دست آورده، به چه نحوی با اصلاح آن مخالفت می شود." (به نقل از آوای کار-اردیبهشت ۸۲ - شماره ۴ ص ۷۲) فشار لاینقطع دولت خاتمی برای تغییر قانون کار در پاسخ به این خواسته بود.

همین نقل و قول نمونه وار به خوبی نشان میدهد که از نظر سرمایه داران ایرانی جایگاه ایران در تقسیم کار جهانی چیزی جز رقابت در عرضه کار هرچه ارزانتر در بازار جهانی نیست. ما در اینجا با یک درخواست، مثلاً، سرمایه صنعتی از "دولت خودی" برای حفاظت از محصولات داخلی در مقابل فشار کالاهای خارجی روبرو نیستیم و در واقع هیچکدام از بخشهای سرمایه داری ایران چنین خواسته هائی را مطرح نمیکند و از این نظر "پروژه" های سرمایه داران ما هیچگونه جهتی برای رشد صنعتی در رقابت

این روزها آنها که به نقش دوران ساز طبقه کارگر در تغییرات ریشه ای و انقلابی در ایران معتقدند و در راه ارتقا آگاهی کارگران و حقوق بگیران ایران تلاش میکنند با شنیدن اخبار مبارزات کارگری که از ایران میرسند، نفسی تازه میکشند. برای اولین بار بعد از سالها این نه جنبش عمومی ضد استبدادی با مضمونی کاملاً سرمایه دارانه، بلکه جنبش طبقه کارگر است که بخش عمده اخبار داخل را به خود اختصاص میدهد. این نه طومار نویسی رفراندم طلبانه، و یا نامه های عاجزانه این یا آن دسته از "اساتید و روشنفکران" برای "رعایت این یا آن حق در چارچوب فعلی"، بلکه درخواستهای مجدانه کارگران برای برپائی تشکیلات مستقل خود است که هر روز در شهرهای بزرگ یا واحدهای تولیدی مطرح میشود و این دندان شکن ترین پاسخ به کسانی است که با تمسخر می پرسیدند که "آیا در این شرایط اقتصاد یات «فراصنعتی» طبقه کارگری باقی مانده است، آنهم در ایران؟" آفتاب آمد دلیل آفتاب!

سالهاست که از برکت رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای نئولیبرالی دولت و سرمایه داران، فشار بطور فزاینده ای به روی کارگران ایران افزایش پیدا کرده است. گرچه با تسلط بورژوازی سوداگر پس از فروکش امواج انقلاب بهمن و استعاله دولت بناپار تیسستی مذهبی به یک دولت سرمایه داری "متعارف" مذهبی، مسئله کاهش سهم تولید داخلی و افزایش سوداگری و در نتیجه تقویت جنبه منفی و خرابکارانه سرمایه داری، از همان چند سال بعد از شکست انقلاب شکل غالب انباشت سرمایه در ایران به وضوح خود نشان میداد، اما پس از روی کار آمدن دولت رفسنجانی و جهت گیری آشکار و با برنامه در جهت تطبیق سیاستهای اقتصادی رژیم با برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی، که لازمه ورود به سازمان بین المللی تجارت است، این فشار ابعاد بی سابقه ای به خود گرفت. سیاستهای خانه خراب کن "تعدیل اقتصادی" و "مدرنیزه کردن" ماشین تولید در ایران باعث بسته شدن بخشهای کاملی از تولید و صنعت و بیکاری صدها هزار کارگر و حقوق بگیر ایرانی شد. این گرایش در هر دو دولت خاتمی هم با شدت ادامه پیدا کرد. اگر دولت خاتمی در پیشبرد اصلاحات سیاسی ادعائی اش خوار و زیون بود، آنجا که به سیاستهای لیبرالی در اقتصاد

که امروزه درگیر مبارزه اقتصادی هستند در یک مبارزه تمام عیار سیاسی نخواهد بود. چنین وضعیتی صرفاً در یک دوران اعتلای انقلابی ممکن شده و در یک موقعیت انقلابی به اوج و عطف میرسد. تا برقراری چنین شرایطی، که البته در جوامعی چون ایران بعلت وجود سرکوب خشن و "بی رویه" خیلی سریعتر از جوامع "عادی" سرمایه داری میتوانند پدید بیایند، اکثریت کارگران و حقوق بگیران عمدتاً در دفاع از حقوق و سطح زندگی خود دست به مبارزه زده و در یک سطح از مبارزه که به آن مبارزه اتحادیه ای (تریونیونی) میگویند با دولت و نظام سرمایه داری درگیر میشوند. کادرهای کارگری ابتدا در این مبارزه شکل میگیرند و بعد به مبارزه سیاسی "کشیده" میشوند. وقتی میگویند که اعتصاب مدرسه انقلاب است منظور از توجه به دیالکتیک این سطوح متفاوت از مبارزه است. مبارزه کارگران در ایران نیز از این قاعده مستثناء نیست. هر چند که وجود دیکتاتوری مذهبی میتواند هر حرکت اعتراضی را به سرعت سیاسی کند، اما این مترادف با سیاسی شدن جنبش توده ای ویا، مهمتر از آن، سیاسی شدن توده کارگران و حقوق بگیران نیست. لازمه اینکار تضمین کار دراز مدت و دائمی فعالین سوسیالیستی در جنبش جاری اقتصادی کارگران، همراهی با کارگران و حقوق بگیران در این مبارزه و نشان دادن بذر آگاهی سیاسی و طبقاتی در آن است.

امروز زمینه این فعالیت بیش از هر زمان دیگر وجود دارد چرا که ما شاهد به ثمر رسیدن تلاشهای چندین و چند ساله فعالان کارگری در داخل ایران هستیم. سال گذشته فعالیت گسترده و چشمگیر کارگران مبارز، ضمن ادامه اعتصابات و اعتراضات خود در جهت کسب حقوق و پاداشهای معوقه، در برگزاری مراسم اول ماه مه از نظر هیچکس پنهان نماند. اقداماتی که با یورش ماموران رژیم در سقر انعکاسی جهانی یافت. بدین ترتیب به لطف اقدامات پیگیر، در سخت ترین شرایط، جنبش کارگری ایران خود را در سطح جهان مطرح کرد. حمایت فعالین چپ سوسیالیست و کارگری در خارج از این اقدامات کارگران ایران و تلاش گسترده آنها در انعکاس اخبار کارگران ایران در سطح جهان در خور تقدیر و امریست مبارک که امیدواری به آینده را بیشتر میکند.

در این میان استفاده فعالین کارگری از فضائی که در اثر تلاش رژیم، از دولت رفسنجانی تا امروز، برای ورود به نهادهای نگهبان نظم سرمایه داری جهانی و در مرکز آنها صندوق بین المللی و سازمان تجارت جهانی

هم پیش رفته اند و این پاشنه آشیل هر دو آنهاست. اما هیچ حرکت ریشه ای در جهت کسب دموکراسی و آزادیهای سیاسی و، مهمتر از آن نهادینه کردن دستاوردهای احتمالی دموکراتیک بدون مداخله فعالانیه زحمتکشان ایران ممکن نیست و کسب هیچ امتیاز پایدار و نهادی بدون ورود جنبش کارگری به حیطه سیاست نیز امکان ندارد. تمام تلاش فعالین سوسیالیست کارگری می بایست متوجه این حلقه گمشده باشد. زیرا، همان طور که در بالا متذکر شدم، اپوزیسیون جمهوریخواه بدلیل گرفتاری اجتناب ناپذیر در چنبره نظام سرمایه داری لیبرالیستی از نزدیک شدن به جنبش کارگری ناتوان و هراسان است. آنها وعده دموکراسی بدون نان می دهند و علیرغم چند جمله کمرنگ در باره عدالت اجتماعی هیچ راه عبوری از جهنم سرمایه داری فعلی را ترسیم نمیکنند و نمیتوانند هم بکنند. از نظر آنها جنبش کارگری تنها باید نیروی کمکی جمهوریخواهی باشد و خواسته های خود را فعلاً به نفع "مصالح جنبش دموکراتیک" در پرائتز بگذارد. میگویند که این اغراق آمیز است؟ نگاهی به بسیج بلادرنگ، گسترده و پر سروصدای جمهوریخواهان برای کوچکترین "نامه اساتید و روشنفکران" امضا شده توسط چند صد نفر و یا اعتراضات دانشجویی و یا اعتصاب غذای گنجی بیاندازید و سکوت آنها را راجع به دو بیانیه کارگری "کمیته هماهنگی" و "کمیته پیگیری" که هر کدام توسط سه تا چهار هزار کارگر و فعال کارگری امضا شده بودند مورد مذاقه قرار دهید، آنوقت متوجه این "اغراق" میشوید! آنها اگر هم وارد مسائل جنبش کارگری بشوند، مثل تنگ نظریشان در مورد مسئله حقوق ملیتها در کشور چند ملیتی ایران، فقط به قصد کشیدن حد و حدود و تنگتر کردن هر چه بیشتر خواسته های "پائینی ها" ست و نه بیشتر. پس وظیفه پیوند این دو بر دوش فعالین کارگری و سوسیالیست قرار دارد و بس.

این پیوند تنها با گسترش و تعمیق حرکات اقتصادی کارگران و حقوق بگیران به اقدامات سیاسی، در دفاع جنبش کارگری از حقوق و آزادیهای دموکراتیک سیاسی در متن ادامه جنبش اقتصادی خود ممکن است. این مسئله مهمی است که جنبش اقتصادی کارگران در ادامه خود ناگزیر با آن روبرو خواهد شد و تمام وحشت و تلاش دولت و اپوزیسیون موافق اقتصادی یا ت سرمایه داری از چنین تحویلیست و تمام تلاش ما نیز باید در جهت نزدیکتر کردن چنین چشم اندازی باشد.

البته روشن است که چنین تحویلی به معنای درگیر شدن همه کارگران و حقوق بگیرانی

مجازی، در ایران مثل همه کشورهای دیگر سرمایه داری چیزی جز سرمایه داری نئولیبرالی نیست و نمی تواند باشد، تا وقتی که یک آلترناتیو که گسست از مدار سرمایه جهانی را هدف خود قرار داده است در ایران به قدرت نرسد، این مسئله، یعنی فشار به روی دستمزدها بمثابه تنه راه "جذاب کردن" اقتصاد ایران در دستور کار دولتمندان قرار خواهد داشت و در نتیجه مبارزه ناگزیر برای تامین معاش نیز در دستور کار جنبشهای کارگران و حقوق بگیران قرار خواهد داشت و سنگرهای که امروز ساخته میشوند در نبردهای فردا و پس فردا نیز به کار خواهند رفت. این آن دریائی است که مبارزین سوسیالیست کارگری می بایستی در آن شنا کنند. اما ابعاد قضیه به این ختم نمیشود. در شرایطی که در تمام این سالها بخش عمده گروهها و سازمانهای مدعی سوسیالیسم، عمدتاً سیاستها و تاکتیکهای خود را بر اساس توجه یک جانبه به جنبش عمومی و سیاسی ضد استبدادی معطوف کرده بودند و به قول معروف نبضشان تنها با این جنبش می زد، کارگران و حقوق بگیران ایرانی مشغول مبارزه برای امرار معاش و کاهش درد ضربات تازیانه نئولیبرالیسم در ایران بودند. در این سالها نسل جدیدی از مبارزان کارگری در میان آنها پیدا شده اند که عمدتاً فاقد هرگونه سابقه آموزش سوسیالیستی و ارتباط با سازمانهای کارگری- سوسیالیستی ایرانی و جهانی هستند. اینان کسانی هستند که در اعتصابات، راهبندانها، اشغال کارخانه ها، تحصن ها، تظاهرات شهری یا همزمان در چند شهر نقش فعال و سازمانگرانه دارند و بر مسیر حرکت جنبش تاثیر مستقیم میگذارند. بخش عمده این نسل هرگز وارد مبارزه مستقیم سیاسی نشده و تنها در طی مبارزه بر علیه قانون کار عملاً در سیاست دخالت کرده است. اما به دلیل خصلت فوق ارتجاعی و سرکوب همه جانبه دولت، هر لحظه با دستگاههای امنیتی رژیم درگیر بوده، تجربه خانه کارگر و انجمن اسلامی را از سر گذرانده، به زندان افتاده، شکنجه شده، در خاتون آباد کشتار شده و به این نتیجه رسیده است که منافعش را نمیتواند از طریق "بالائی ها" به دست آورد. بدین لحاظ این بخش فعال جنبش کارگری، آمادگی کافی برای چرخش به سمت سیاست را دارد اما، به دلیل عدم توجه و بی سیاستی اکثریت قاطع گروهها و سازمانهای چپ سوسیالیست به جنبش اقتصادی کارگران و سرکوب منظم رژیم، تا امروز جنبش عمومی دموکراتیک و ضد استبدادی و جنبش واقعی کارگری که عمدتاً اقتصادی و دفاعی است، به موازات

ایجاد کرده حائز اهمیت خاصی است ، چرا که رژیم مجبور به امضای کنوانسیون‌هایی شد که تشکلهای مستقل کارگری را به رسمیت می شناسد . مانورهای رژیم با " سازمان بین المللی کار " برای جا انداختن خانه کارگر و انجمن های اسلامی به جای این "تشکیلات مستقل " موج اعتراض فعالین کارگری در داخل و خارج را به راه انداخت و سازمان بین المللی کار را به دست و پا انداخت ، مبارزه ای که هنوز ادامه دارد. بعلاوه دست رژیم دیگر برای سرکوب خونین کارگران چندان باز نیست : یک خاتون آباد دیگر و فاتحه هر چه مصالحه با سازمان بین المللی کار خوانده است . بدین لحاظ تا زمانی که سیاست ورود به نهادهای بین المللی در دستور کار رژیم وجود داشته باشد و ما با یک سیاست درهای بسته روبرو نباشیم شرایطی وجود خواهد داشت که اقدامات کارگری در جهت ایجاد تشکلهای مستقل همه جا با سرنیزه روبرو نشود و رژیم مجبور به رعایت یک سری " ملاحظات دیپلماتیک " باشد . فعالین کارگری در ایران به خوبی به این مسئله آگاهند و تا امروز استفاده مناسبی از آن کرده اند . این نشان میدهد که فعالین جنبش جدید کارگری هشیارتر از آنی هستند که خصلت دفاعی و اقتصادی مطالبات کارگران اجازه درخشش و توجه لازم به آن را میدهد .

در چنین شرایطی تشکیل " کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری " ، " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " و بویژه برگزاری مجمع عمومی و تشکیل سندیکای مستقل شرکت واحد با شرکت فعالان صدها کارگر برجسته ترین نمونه های رشد جنبش کارگری و ورود به مرحله جدیدی از سطح مبارزه هستند . این مورد اخیر یعنی تشکیل سندیکای مستقل در شرکت واحد از این نظر که در میان کارگران ، در یک واحد بزرگ کارگری و توسط خود کارگران دست اندرکار بوجود آمده است میبایست بطور موشکافانه مورد توجه فعالین کارگری و چپ قرار بگیرد. (۲)

اینکه آینده این تشکلات نوپا چه خواهد شد ، موضوع بحث اینجا نیست آنچه در اینجا مورد تاکید قرار دارد ماهیت و مضمون حرکات بیسابقه کارگران ایران است که با خود انواع و اقسام ابتکارات مبارزاتی و نیز تشکلات کارگری را به ارمغان آورده و خواهد آورد و از این راه تشخیص وظائف ما در قبال آن است . امروزه این حرکات اوجی تازه یافته اند. در این جنبش نوپا که هنوز در مراحل ابتدائی خود قرار داشته و به حداقل استحکام لازم دست نیافته است ، امری که با توجه به رکود بلند مدت این جنبش و

سرکوب منظم و خشن رژیم کاملاً طبیعیست ، گرایشات متفاوتی وجود دارند . (۳) وجود این گرایشات که از سندیکالیستهای " قانونی کار " و معطوف "به بالا " تا سندیکالیستهای انقلابی ، آنارکو - سندیکالیستها و گرایش پراکنده فعالین سوسیالیستی در آن یافت میشود، تغییری در ماهیت خود جنبش توده های کارگران که یک حرکت اقتصا دی و دفاعی است نمیدهد. نادیده گرفتن این واقعیت به راحتی ما را به خیال پردازی و تلاش برای تحمیل الگوهای که از برنامه های سیاسی گرایشات نظری گوناگون منتج میشوند می کشاند . وجود گرایشات سیاسی و نظری مختلف در صفوف جنبش کارگری و نیز سوسیالیستی ایران نه غیر طبیعی و نه یک اشکال است . سراسر تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی و انقلابات بزرگ ضد سرمایه داری مملو از وجود گرایشات نظری ، سازمانهای متفاوت ، مبارزات نظری و سیاسی آنها ست . جنبش ما نیز استثنائی بر این نیست . با از بین رفتن سلطه تفکر تک حزبی استالینیستی و "حزب خطا ناپذیر" و یگانه که هیچ سایه روشن نظری را تحمل نکرده و تلاش برای ایجاد "ارتش یک پارچه حزبی " را تنها شکل " فعالیت لنینیستی " میدانست ، زمینه برای رشد فرهنگ مدارا در میان صفوف جنبش کارگری و کمونیستی بسیار مناسب تر از پیش شده است . این فرهنگ معنائی جز به رسمیت شناختن امکان ( و واقعیت) وجود گرایشات و احزاب مختلف سوسیالیستی و کارگری ، لزوم تحمل اختلاف نظر و برداشت سیاسی در عین دست زدن به گسترده ترین اتحاد عمل ممکن در یک مرحله معین ندارد . این شیوه نگرش تلاش میکند که بیشترین نیروهای کارگری را برای محقق کردن هدف پیش روی جنبش واقعی کارگری با یکدیگر متحد کند بی آنکه وجود رنگین کمان نظری در میان جنبش و فعالین آن را نادیده گرفته یا منکر شود. (۴)

خوشبختانه ، همانطور که کارزار " کارگران ایران تنها نیستند ! " نشان داد، بخش روزافزونی از فعالین سوسیالیستی در خارج از کشور ، چه متشکل در سازمانها و چه منفرد، به این شیوه نگرش نزدیک شده اند و این آینده خوبی را برای اتحاد عملهای گسترده تر نوید میدهد. (۵)

حال پرسیدنی که جنبش واقعی و موجود کارگران چه هدفی را پیش پای خود قرار داده است ؟ بی هیچ تردیدی فعالین جنبش کارگری متوجه ضعف اصلی آن یعنی نداشتن تشکیلات مستقل کارگری شده اند . آنها که تاکنون تاوان سنگینی را به دلیل این ضعف بزرگ و فعال مایشاء بودن سندیکای سیاهی

چون "خانه کارگر" پرداخته اند به محض آنکه شرایط اندکی مساعد شد به تلاش خود شدت دادند ، تمام حرکات آنان در متن این جنبش اقتصادی - دفاعی بیسابقه معطوف به این هدف بوده است . باید خاطر نشان کرد که در این مورد کارگران ایران درست مانند سایر هم طبقه ایهای خود در سایر کشور های سرمایه داری عمل میکنند و یک بار دیگر احکام انترناسیونال اول در مورد حرکات اولیه کارگران در مبارزه برای دفاع از حقوق خود به اثبات رسید . توده کارگران قبل از اینکه به مبارزه سیاسی و تشکیل احزاب فکر کنند در گامهای خود به طرف شکلی از تشکل گام برمیدارند که بطور بلاواسطه در خدمت مبارزه جاری آنان بوده و نیز در دسترس قرار دارد . این شکل در همه جای جهان سرمایه داری، از زمان بین الملل اول تا امروز، شکل اتحادیه ، اشکال بسیار متنوع اتحادیه علنی ، نیمه علنی ، مخفی و یا ترکیبی از آنان را گرفته است . قوه ابتکار کارگران در این موارد ، بسته به توازن قوا و شرایط مبارزه پیدایش انواع و اقسام تشکیلات کارگری را موجب شده است . زیاد لازم نیست که در زمان خیلی به عقب برویم، تجارب کارگران سیاه معادن آفریقای جنوبی و کره جنوبی نمونه های متفاوت و پر باری را به ما عرضه میکنند . لازم به تاکید است که نقش کارگران و فعالین سوسیالیست در تشکیل ، قوام و پیشروی این اتحادیه ها بسیار مهم بوده است . این فعالین به صرف اتحادیه ای بودن سطح حرکات کارگری از وظیفه خود شانه خالی نکردند هر چند که ، در نمونه آفریقای جنوبی بدلیل وجود رژیم آپارتاید و در کره به دلیل حکومت ژنرالها، هر حرکتی به سرعت سیاسی میشد اما این باعث نشد که آنان تنها به تشکیل احزاب سیاسی کمر توجه داشته باشند ، چرا که توده کارگران در شرایط "عادی" مبارزه نه در احزاب یا شوراهای بلکه در تشکیلاتی که مضمون اتحادیه ای دارد به گرد هم می آیند حالا خود اسم آن را هر چه بگذارند. این امر نه از علاقه آنان بلکه از واقعیت شرایط کار کارگران در یک اقتصاد سرمایه داری و تمرکز کارگران در واحدهای تولید، توزیع و خدمات ناشی میشود و اینکه حتی در دیکتاتوری ترین حکومتها، درگیری کارگران و سرمایه داران قبل از هر چیز بر سر دستمزد و شرایط کار است . میگوئید نه به ایران امروز نگاه کنید و ببینید که بعد از دو دهه رکود چطور توده کارگران با درخواستهای پرداخت حقوقهای عقب مانده ، دفاع از اشتغال و ممانعت از تعطیل کارخانه ها به میدان آمده اند . این بعد از مبارزات کارگران حتی در شرایط انقلاب نیز از بین

نمی‌رود و حتی در فاصله انقلاب فوریه تا اکتبر، بلشویکها که در شوراهای در اقلیت بودند از طریق فعالیت پیگیر و کسب اکثریت در کمیته‌های کارخانه بود که توده کارگران را از زیر آوار توهامات خرده بورژوازی بیرون آوردند و به نماینده غیر قابل طبقه کارگر در شوراهای تبدیل شدند. هدف من از ذکر خلاصه این وقایع تاریخی، جلب توجه فعالین سیاسی طرفدار سوسیالیسم به اهمیت دائمی کار با مضمون اتحادیه ای است. چرا که ما در جوامعی چون ایران که حتی لباس پوشیدن هم سیاسی است، توجه کافی را به اهمیت عظیم و صرف نظر ناکردنی مبارزه اقتصادی کارگران و تهیدستان نداریم. در جریان این مبارزه است که طبقه کارگر بمثابه یک طبقه به تفاوت خود با دیگر اقشار و طبقات پی برده و آماده کسب آگاهی طبقاتی میشود حال آنکه در جریان یک مبارزه عمومی برای یک خواسته مشترک دمکراتیک این نه تفاوت بلکه همگرایی آنان با دیگر اقشار است که برجسته میشود و همین زمینه عینی طرح شعارهای عوامفربانه "همه باهم" مورد علاقه بورژوازی، و امروزه، جمهوریخواهان وطنی، را فراهم می‌آورد که در شرایط نازل بودن سطح آگاهی و تشکیلات سیاسی کارگران و عدم وجود تشکیلات توده ای و مستقل کارگری، مثل شرایط امروز جنبش کارگری ما، میتواند عملاً رهبری را به بورژوازی و خیل روشنفکران خرده بورژوازی دنباله روی آن واگذار کند.

باید متذکر شوم، آنهم خیلی خلاصه، که تحزب سطح دیگری از مبارزه سیاسی کارگران است که در رابطه ای تنگاتنگ با جنبش اتحادیه ای و حتی در بهترین شرایط تنها بخش اندکی از کارگران آگاه و پیشرو را در بر میگیرد و شوراهای، به مفهومی که از انقلابات ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روسیه و ۱۹۱۹ آلمان و مجارستان بیرون آمدند و نه یک نابو برای جمع محدودی از عناصر آگاه کارگری، تنها در شرایط موقعیت انقلابی و انقلاب توده ای پدید می‌آیند و این به برنامه، درایت یا فرمان این یا آن حزب یا اندیشمند انقلابی ربطی ندارد، فراموش نکنیم که حتی رهبر خارق العاده ای چون لنین و سایر رهبران حزب بلشویک طرح ایجاد شوراهای را ارائه ندادند و نمیتوانستند که بدهند چرا که چنین اشکالی از سازماندهی توده ای تنها در بطن جنبشهای میلیونی توده‌ها شکل گرفته و با برخورد درست و کار سیاسی عناصر سوسیالیست میتوانند در خدمت پیشروی انقلابی قرار بگیرند. استفاده از این تجربیات برای تسریع شکل گیری این اشکال مساوی با

اعلان برتری این یا آن شکل تشکل کارگری نسبت به دیگر اشکال نیست و اصولاً بوجود آمدن یک شکل عالیتر معادل حذف اشکال دیگر نیست. این نه عناصر آگاه طبقه کارگر بلکه شرایط واقعی مبارزه، سطح آمادگی توده‌های کارگر و اشکال اعمال قهر دولتی است که کارگران را به سوی این یا آن شکل مبارزاتی سوق میدهند، عناصر آگاه تنها هادی و کاتالیزور هستند و نه عامل ایجاد. برخلاف بعضی از دوستانی که معتقدند که عده ای عنصر آگاه میتوانند سوسیالیسم را در هر جزیره دور افتاده ای برقرار کنند و بنابراین معتقدند که با یک فرمان و عده ای عنصر انقلابی مصمم میشود هر شکلی، مثلاً شورا را "برقرار" کرد، مارکسیستها به سطح رشد واقعی جنبش و درجه آمادگی توده‌های کارگر نگاه میکنند و معتقدند که جمله پردازی انقلابی جای کار متناسب با سطح واقعی جنبش کارگری را نمیگیرد. حال که جنبش کارگری ایران پس از یک دوره رخوت ۲۰ ساله وارد دوران جدیدی شده و مسئله تشکیلات مستقل کارگری را فراروی خود قرار داده است، تنها پاسخ فعالین کارگری شرکت هرچه گسترده تر در این تلاش و حمایت از تشکلاتی است که در این جنبش پا می‌گیرند، و بویژه از آنجائی که هنوز گرایشهای مختلفی که در این جنبش قرار دارند در شکل ابتدائی و جنینی هستند و هیچیک سازماندهی منسجمی ندارند، تلاش برای تحمیل این یا شکل سازماندهی مورد نظر این یا آن حزب یا گروه بعنوان پیش شرط همکاری و اتحاد عمل تنها به معنای دامن زدن به فرقه‌گرایی، این بیماری مهلک جنبش چپ ایران، در جنبش نوپای کارگران ایران است. بر عکس باید با رعایت واقعی فرهنگ مدارا و تحمل انتقادات و نظرات متفاوت و گاه مخالف سعی در ایجاد گسترده ترین اتحاد عمل ممکن کرد. اتحادی که تنها کسانی را که چشم به این یا آن جناح حکومتی دارند دربر نمیگیرد و گرنه هیچ اعتقاد نظری یا ایدئولوژیک را ملاک قرار نداده و به روحیه اتحادی که در بین کارگران برای مقابله با تعرض نئولیبرالی دولت و سرمایه داران وجود دارد و این را ما در همه حرکات و اعلان همبستگی بخشهای مختلف کارگران می‌بینیم لیبیک میگوید. این اولین بار نیست که فعالین سوسیالیستی با چنین شرایطی روبرو میشوند و مادر تاریخ جنبش کارگری دارای رهنمودهای ارزنده ای برای پاسخ به چنین شرایطی هستیم. کنگره چهارم انترناسیونال در سال ۱۹۲۲ پس از بررسی شرایط سیاسی و تهاجم بورژوازی و مقابله کارگران، چه سوسیالیست، چه کمونیست،

چه سندیکالیست غیر سیاسی و... به کارگران آگاه پیشنهاد میکند که ابتکار ایجاد یک جبهه واحد کارگری در مقابله با تهاجم سرمایه داران را به دست بگیرند (۶) من فکر میکنم که در شرایط کنونی تعرض سرمایه جهانی، نه تنها در ایران بلکه در اکثر نقاط جهان که حمله بی سابقه نئولیبرالیسم آغاز شده است، جبهه واحد کارگری بهترین پاسخ و مناسبترین شکلی است که به ما اجازه میدهد تا بی آنکه در برابر شکوفائی انواع و اقسام تشکلات در حال شکل گیری و یا بحث‌ها و برنامه‌های متفاوت درون جنبش کارگری ایران مانعی ایجاد کنیم، بزرگترین تمرکز نیرو و اتحاد عمل را در برابر دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داران فراهم کنیم. نیروها و گرایشهای مختلف با حفظ آزادی انتقاد و برنامه خود وارد اتحاد عمل در جبهه واحد کارگری میشوند و حول چند محور، که امروزه دفاع از حقوق و آزادی تشکلات مستقل کارگری در راس آنها قرار دارد به مبارزه مشترک دست میزنند.

این جبهه درست در نقطه مقابل آن تلاشهای فرقه‌گرایانه-پوپولیستی ای قرار دارد که همت به اشتقاق جنبش کارگری براساس مرزبندیهای سیاسی - ایدئولوژیک میگمارد، درست مانند سالهای اول بعد از انقلاب که گروههای سیاسی مدعی طبقه کارگر، همه جا "کارگران هوادار" خود را ایجاد کردند که تمام هم و غمشان درگیری ایدئولوژیک با یکدیگر بود بی آنکه برای تشکیل ظرفی برای تحکیم دستاوردهای جنبش کارگری که انقلاب را روی دوش خود حمل کرده بود خود را خسته کنند. ما تازه در آستانه دوران جدیدی از جنبش کارگری هستیم و نمی‌توانیم چنین وانمود کنیم که گویا توده کارگران و حقوق بگیران ایرانی در جریان مبارزه خود همه راهها و پروژه‌های گوناگون مطرح در جنبش را محک زده و راه خود را انتخاب کرده است. این ادعائی بیش نیست و اساساً داشتن چنین انتظاری از جنبشی که از یک رکود ۲۰ ساله بیرون می‌آید یک ایدئالیسم و در بهترین حالت رمانتیسم انقلابی است. یک جبهه واحد کارگری بدون حذف هیچکدام از افراد، گروهها و گرایشهای به لزوم برپائی تشکیلات مستقل کارگری پی برده و به لزوم حرکت مستقل از جناحهای حکومتی دست یافته اند، اجازه میدهد که بزرگترین همیاری کارگری برای پیشبرد و کسب عملی این تشکیلات مستقل و تا حد امکان سراسری ممکن شود و در همان حال به توده کارگران اجازه میدهد تا طرحها و